

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۲۴۴-۲۰۱  
نوع مقاله؛ مقاله پژوهشی

## تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی: با تأکید بر رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی مبتنی بر قانون طلایی

وحید نقدی دورباطی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸

### چکیده

این مقاله، به منظور تحلیل تمایل نخبگان جوان نسبت به انتظام اجتماعی و رعایت نظم و چگونگی آموزش آنان مبتنی بر رعایت قانون طلایی تنظیم شده است. رویکرد اصلی در این مقاله، نظریه تلفیقی و چندبعدی نظم اجتماعی است؛ زیرا در آن، به ارتباط وثیق نکات محوری نظریه‌های تربیتی و اخلاقی پرداخته شده و از تقلیل‌گرایی مرسوم اجتناب شده است. مطالعه مزبور از نوع شبه‌طولی در سه سال ۱۳۹۱، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ است و روش انجام تحقیق، بنا به امکانات و ماهیت تحقیق، روش میدانی تلفیقی می‌باشد. نمونه تحقیق، بنا به امکان دسترسی، شامل جوانان نخبه محصل در سمپاد<sup>۱</sup> استان تهران است. نتایج نشان می‌دهد که تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی در سه سال گذشته به‌طور معنادار افزایش یافته است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه با شش مدل متفاوت حاکی از آن است که فضای عام‌گرا، هم‌چون هویت ملی و تعهد عام‌گرا در تقویت تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی بسیار مهم می‌باشند. مدل‌ها، برجستگی نقش مدرسه را در این امر نشان می‌دهند و حاکی از آن هستند که فارغ از تدوین برنامه‌های تربیتی برای تقویت عام‌گرایی، پرورش اخلاقی نخبگان میسر است. نتایج کمی و کیفی تحقیق تأکید بر آن دارند که تمایل اخلاقی نخبگان جوان، فارغ از تأثیر شرایط تربیتی که در مدل‌ها منعکس شده است؛ بسیار بحرانی است و محتاج توجه ویژه از جانب متولیان امر است.

واژه‌های کلیدی: قانون طلایی، ملاحظات اجتماعی، وجدان اخلاقی، تمایل عام‌گرا.

va.naghdi@yahoo.com

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فرهنگیان استان تهران، تهران، ایران.

۱- سمپاد: سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان

## مقدمه و طرح مسئله

قانون یا دستور طلایی<sup>۱</sup> که به ایمانوئل کانت منسوب است، از دیرباز در تعالیم مذهبی توحیدی مورد توجه بوده و در نظام تعلیم و تربیت جهانی شأن محوری داشته است. قانون طلایی، همان اخلاق اجتماعی با محوریت ملاحظات اجتماعی شناخته شده است. قانون طلایی یک اصل بنیادین است که همیشه باید دنبال شود تا به لحاظ اجتماعی یک موفقیت یا فعالیت خاص در کل تضمین گردد. این، همان مفهوم محوری پرورش اخلاقی و دانش محتوایی آموزشی (PCK)<sup>۲</sup> در جوامعی است که مدعی نظام آموزشی پیشرفته هستند. در واقع از قانون طلایی، سه فضیلت و ضرورت اجتماعی مرتبط به هم مستفاد می‌گردد:

(۱) ملاحظات اجتماعی؛ به طوری که

(۲) سود و زیان دیگری در تابع منافع خود لحاظ گردد؛<sup>۳</sup> که این، همان

(۳) اخلاق اجتماعی است.

آموزش چنین فضیلتی، به شرط موفقیت، تضمین کننده نظم و انضباط اجتماعی است. این مهم، تلویحاً در سند تحول بنیادین نیز لحاظ شده است (خنیفر و همکاران، ۱۳۹۷: فصول ساحت‌های اخلاقی)؛ سندی که در آن اهداف استراتژیک تربیتی و آموزشی کشور بر اساس دین مبین اسلام و فرهنگ والای ایرانی طراحی شده است. همین موضوع نیز در توصیه‌های مقام معظم رهبری برای هدایت آحاد جامعه، تحت مفهوم رشد وجدان اخلاقی، در بیانیه گام دوم گنجانده شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۸). البته، توجه مدیران تراز اول کشور بر پرورش ویژه و خلوص اخلاقی نخبگان

---

### 1. Golden Rule

۲- دانش مبتنی بر محتوای تعلیم و تربیت در ادبیات موجود، که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به صورت اختصاری با «PCK» شناخته می‌شود (PCK= Pedagogical Content Knowledge) (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۴: ۱۳).

۳- این، تعریفی عام از اخلاق و منسوب به مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است.

تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی ... ۲۰۳

نیز مقوله‌ای است که بر اساس آن سمپاد ایجاد شده است. توجه به پرورش نخبگان به‌طور واضح و متواتر از جانب رهبر کشور، حتی در بیانیه گام دوم نیز مطرح شده است (همان: ۳۰-۳۱).

این درحالی است که برخی محققین بر شرایط تضعیف‌کننده اخلاق اشاره کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نقدی، ۱۳۹۱؛ نقدی و همکار، ۱۳۹۲؛ نقدی و همکار، ۱۳۹۳)، برخی هشدارها نیز، در مورد خطر ضعف اخلاق نخبگان علمی جامعه به‌عنوان ظرفیت‌های علمی و سرمایه‌های انسانی کشور بوده است (رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ سنایی، ۱۳۹۵). برخی دیگر بر بحران اخلاقی هشدار داده‌اند. کانون توجه آن‌ها نحوه تربیت جوانان نخبه در مراکز آموزشی خاص (سمپاد) و شرایط تربیتی این ظرفیت‌ها بوده است (رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ نقدی، ۱۳۹۵). نتایج این پژوهش‌ها، به‌نحوی حاکی از آن هستند که گویی بخش اعظمی از اهداف تربیتی یا به‌دست نمی‌آیند؛ یا کمتر از انتظار حاصل می‌شوند. پس، در شرایط کنونی، رسیدگی به این مهم یک ضرورت غیرقابل انکار است.

بنابراین شایسته است که تمام افراد ذی‌صلاح در امر خطیر تربیت، اعم از حوزویان، دانشگاهیان، و مدیران حوزه تعلیم و تربیت، همچنین متولیان نظم و انضباط اجتماعی کشور، نسبت به تقویت تمایل نخبگان علمی جامعه نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی حساس باشند و در این مسیر بکوشند. به همین دلیل این مقاله، که از بطن پژوهشی وسیع‌تر استخراج شده است، با هدف تحلیل تمایل جوانان نخبه نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی در مدل‌های مختلف تنظیم شده است. ارائه مدل‌های متنوع تمایل نخبگان جوان به رعایت ملاحظات اجتماعی، به مسئولین امر کمک خواهد کرد تا شرایط متفاوت و کارآمدی را در این مسیر طراحی نمایند. لازم به تذکر است که این مقاله بنابه نفع معرفتی در حوزه علوم اجتماعی است. و تأکید بر وجوه علمی نظریه‌ها، مشاهدات و یافته‌های عینی است.

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های ارزشمندی در مورد رویه‌های اجتماعی با محوریت اخلاق صورت گرفته؛ که در آن‌ها رعایت قانون طلایی، هرچند نه به صورت واضح، ولی به صورت تلویحی مورد نظر محققان بوده است (برای مثال: Taylor, 2011; Mullen, 2017: 15-20; Kimberly et al: 750-753, 2009). طرح مفهوم ترکیبی «قانون طلایی» منسوب به ایمانوئل کانت است و در بطن دیدگاه اصول‌گرا شکل گرفته است (Gensler, 2013; Friend, 2012: 251-253). در این دیدگاه، اخلاق مجموعه‌ای از اصل‌ها و قواعدی است که رفتارهای ما را در زندگی جهت داده و هدایت می‌کنند. از این‌رو، جایگاه و شأن اخلاق در کنش و رفتار انسانی، همان شأن و جایگاه منطق در تفکر است. چنان‌که منطق به یاری اصول و قواعد منطقی، فکر ما را از کج‌اندیشی و گرفتار شدن در اندیشه‌های ناصواب حفظ می‌کند، اخلاق نیز به کمک اصول و قواعد اخلاقی، ما را از کج‌رفتاری و افتادن در ورطه رفتارهای نادرست نگاه می‌دارد (هولمز، ۱۳۸۵؛ Gensler, 2013; Bruton, 2004: 178-184; Reinikainen, 2005: 155-160; Boni, 2002: 18-19). پس، آموزش چنین تمایلی به نونهالان، نوجوانان و جوانان بسیار ضروری است؛ و آنان را برای تعامل سالم در سطح جامعه آماده می‌سازد. این مهم، در ارتباطات اجتماعی و ادراک منصفانه میان کنشگران بیش از هر چیز خود را نشان می‌دهد (Mullen, 2017: 15-30; Taylor, 2011; Kimberly et al, 2009: 749-754).

در این زمینه، فعالیت‌های علمی قابل توجهی انجام شده است؛ هرچند که این کارها، نتیجه اصلاح‌شده ایده کانت بوده است. ایده اخلاقی کانت به عنوان اصول‌گرایی اخلاقی، یا اخلاق مبتنی بر وظیفه<sup>۱</sup>، در پدید آوردن یک دستگاه فکری برای اندیشمندان پس از او به مثابه ستاره راهنما قرار گرفته است. هرچند ابعاد حقیقت و تکلیف، یا ابعاد اثباتی و هنجاری اندیشه کانت به زعم برخی اندیشمندان در هم پیچیده شده و از یکدیگر متأثر می‌باشند (Willaschek, 2009: 49-60)، ولی شالوده ایده کانت را می‌توان

---

#### 1. Duty-Based Ethics Approach

در قوانین یا پندهای اخلاقی<sup>۱</sup> او مشاهده نمود (Fischer, Hill, Jr. 2006: 480- 514; 2006: 321- 355).

نتایج تحقیقات اجتماعی توماس رن، که در جهت «تحلیل معنی ایده محوری کانت» انجام شده، پنج قانون متمایز از این مفهوم را نشان می‌دهد: (۱) چنان رفتار کن که اصل رفتار تو، قانونی جهان‌شمول<sup>۲</sup> شود؛ (۲) چنان رفتار کن، مثل این که رفتار تو در یک قانون همگانی طبیعی، شایسته برگشت نسبت به خودت می‌باشد؛ (۳) شیوه رفتار تو چنان باشد که شایسته انسانیت است، شامل خودت و دیگران؛ در این شیوه همیشه انسان و انسانیت هدف باشد و هیچ‌گاه چون وسیله صرف درنیاید؛ (۴) به شیوه‌ای رفتار کن که نیت تو، در همان زمان به مثابه خلق یک قانون عام و از طریق قانون اخلاقی، خودت را نیز شامل شود؛ و نهایتاً (۵) به وسیله قوانین اخلاقی، چنان رفتار کن، مثل این که تو همیشه یک قانون‌گذار عام بوده‌ای (Wren, 2008: 25). نتایج تحقیقات تالبوت آن است که در این پنج قانون اخلاقی قرابت بسیار نزدیک و تمایزات ظریفی نهفته است؛ به طوری که می‌توان این پنج قانون را در قانون اول مشاهده کرد (Talbot, 2005:212).

گنسلر و دیگر محققان نیز شالوده این قوانین را تحت عنوان «قانون طلایی» می‌شناسند. قانون طلایی می‌گوید که "آنچه خواهید که مردم به شما کنند، شما نیز بدیشان هم‌چنان کنید!" این قانونی است که در همه زمان‌ها مبنای اصلی اخلاق را تشکیل داده است (توگندهت، ۱۳۸۷: ۷۸-۵۹؛ Gensler, 2013). بیلس نتیجه می‌گیرد که در چنین شرایط اخلاقی است که کنشگران اجتماعی شکی در احساس خود نسبت به تخصیص منصفانه مزایای اجتماعی نخواهند داشت؛ هرچند مشمول توزیع ناعادلانه باشند (Bayles, 1990: 58-69). گنزالز و همکارش نیز در تحقیقات خود مشاهده می‌کند که یکی از مهمترین دلایل تمایل مردم به اجرای قواعد اجتماعی، اعم از رسمی و غیررسمی، جاری و ساری بودن قانون طلایی است (Gonzalez et al, 2017: 91-105).

---

1. moral maxim  
2. universal law

محققانی که در زمینه کار و شغل فعالیت کرده‌اند و رضایت از محیط کار را در کانون توجه قرار داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار اخلاقی متقابل از جانب رؤسا و مراجعین نقش بسزایی در این مهم ایفا می‌کند (Carr et al, 2010: 585-590; Harvey, 2005: 54-64). محققانی هم‌چون ویلاشک، داروال و رنی‌کاین در پژوهش‌های خود بر تعمد عاملان در رعایت ملاحظات اجتماعی تأکید دارند و اصرار دارند که این تعمد از وجوه متنوع قانون طلایی نشأت می‌گیرد. آنان، در تلاش‌های علمی‌شان برای مفهوم‌سازی و معرفت‌سازی اخلاق اجتماعی، به‌عنوان ایده اصلی کانت در اخلاق اجتماعی، گریزی از شناخت ابعاد مختلف این مفهوم نداشته‌اند. آنان تأکید کرده‌اند که چهار وجه را می‌توان در فرااخلاقیات<sup>۱</sup> کانت دریافت نمود: هنجاری بودن، عمومیت، برتری و ضرورت یا اجبار. هنجاری بودن، می‌گوید که اگر یک کنش اخلاقاً اشتباه باشد، آن‌گاه حقیقتاً برخی استدلال‌ات هنجاری برای انجام ندادن آن وجود دارد. عمومیت تأکید می‌کند که این قوانین برای هر عامل و شرایطی، جهانی هستند. برتری می‌گوید که برای خطا کردن، به‌طور یکنواخت استدلال‌ات قطعی وجود دارد و آن‌ها همیشه تناقضات موجود در استدلال‌ات را از بین می‌برند و نهایتاً ضرورت یا اجبار تأکید می‌کند که این سه جنبه، کلاً این واقعیت را می‌رسانند که عامل اجتماعی اخلاقی، ضرورتاً حافظ قوانین اخلاقی است؛ نه بطور تصادفی (Willaschek, 2009: 50-60; Darwall, 2006: 282).

چلبی نیز در یک پژوهش اخلاق‌محور، اظهار می‌دارد که ویژگی‌ها یا ملاک‌های عمل اخلاقی از نظر کانت عبارتند از: شمولیت (عامیت)، انسجام منطقی، کرامت‌پذیری و استقلال‌پذیری موجود عقلانی. مراد از ملاک سوم این است که یک کنش اخلاقی، به صورت پیشینی، موجود عقلانی را تنها یک وسیله تلقی نکند، بلکه به عنوان هدف به او بنگرد و برای او خودمختاری قائل شود. خودمختاری به این معنا که کنش مربوطه، هم

تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی ... ۲۰۷

از نظر فاعلین کنش و هم از نظر دریافت کنندگان آن، پذیرفته شده باشد (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). دیدگاه کانت نسبت به انسان چنین است که او را بدواً بدون نقش نمی‌داند. او معتقد است که طبیعت در نهاد انسان زمینه‌ای پاک را بنا نهاده که به واسطه آن، می‌تواند نیکی را از پلیدی متمایز و خوبی‌ها را با اراده‌ای آزاد و فارغ از تهدیدهای بیرونی انتخاب کند. او بر مفهوم "سازگاری درونی" انگشت می‌گذارد و بر این نکته پای می‌فشارد که احکام اخلاقی را نمی‌توان از مرجعی بیرونی حاصل کرد (هولمز، ۱۳۸۵: Reinikainen, 2005: 156- 167).

تحقیقات اجتماعی در سطح جوامع نیز نشان می‌دهد که «قانون طلایی» حفظ و صیانت رفتار را با تأکید بر سازگاری درونی تضمین می‌نماید و موجبات عدالت در توزیع مزایا را فراهم خواهد آورد. در میان اندیشمندان متأخر، که به قانون طلایی پرداخته‌اند و رفتار منصفانه را در کانون توجه داشته‌اند، مفهوم سازگاری درونی رفتار به اصل کلیت‌پذیری<sup>۱</sup> معروف شده است. تلاش علمی آنان در حوزه «عدالت اجتماعی» است و اصل را می‌توان به صورت‌های مختلف بیان می‌کنند، ولی به نظر می‌رسد بیان ساده این اصل این است که «در مورد اعمال مشابه باید به شکلی مشابه داوری کرد؛ مگر این‌که از حیث اخلاقی تفاوت‌های به‌جایی در میان آن‌ها باشد». نتایج پژوهش‌های آنان تصریح می‌کند که همین قاعده در تعاملات جهان معاصر ضروری است؛ تعاملاتی ورای انواع تعلقات گروهی. به عبارت دیگر، رعایت چنین دستوراتی موجبات رشد و توسعه را در زمینه‌های مختلف فراهم آورده است (Bockel, 2015; Gehrels, 2012: 127- 129; Friend, 2012; Burton et al, 2005: 371-380; Reinikainen, 2005; Donder, 1985: 546- 554).

در برخی پژوهش‌های تجربی، عدالت به‌عنوان کانون اخلاق کانتی از قانون طلایی نشأت می‌گیرد (Posthuma et al, 2007: 381-395; Dai et al, 2011: 159-167). البته، گنسلر و هیل فضای مفهومی این‌دو را کاملاً بر هم منطبق نمی‌دانند. آنان اظهار می‌دارند

---

1. universalizability principle

که کانت بر این واقعیت اصرار می‌کرده که جستجوی شادمانی و خوشحالی، هم برای خود و هم برای دیگران، توسط ملزومات اخلاقی عدالت و احترام به شأن انسانی محدود می‌شود. همچنین کانت اصرار داشته که این الزامات قطعی، برای ارتقای شادمانی دیگران، قوانین اخلاقی ما<sup>۱</sup> را می‌سازند. به این ترتیب رعایت حق دیگران و برقراری عدالت در اخلاق کانتی مهم‌ترین وجه اخلاق هنجاری اوست ( Gensler, 2013; Hill, 2006: 480-481).

البته، در پژوهش‌هایی با محوریت «عدالت رویه‌ای» می‌توان شأن قانون‌طلایی را دریافت. آن‌جا که عاملان اجتماعی در خلال ارتباط با یکدیگر شئون انسانی و اخلاقی را رعایت می‌نمایند و به یکدیگر اهمیت می‌دهند ( Gonzalez et al, 2017; Modde et al, 2017: 111-120; Mau et al, 2017: 67-85). در این معنا، عدالت در بطن خود نوعی حسن نیت<sup>۲</sup> را می‌پروراند.<sup>۳</sup> گنسلر و دلیوز اشاره می‌کنند که کانت، حُسن نیت را یک اصل اخلاقی دانسته و برای آن وجه اجتماعی قائل می‌شود. کانت می‌گوید که قانون اخلاقی، تنها تعیین‌کننده اصل حسن نیت است، و قوانین جهان معقول، به هیچ وجه مطابق با اغراض حسن نیت منظم نشده‌اند. از این‌رو، در جهان فعلی، شادمانی نمی‌تواند علت فضیلت شود و فضیلت نیز ناتوان‌تر از آن است که بتواند مسبب شادمانی شود.<sup>۴</sup> بنابراین، آنان در پژوهش‌های خود از قانون‌طلایی به‌مثابه یک سازه<sup>۵</sup> و یک شرط انسانی استفاده می‌کنند و برای آن وجه طبیعی قائل نمی‌شوند ( Gensler, 2013).

---

1. our maxim

2. good will

۳- در واقع، در اندیشه کانت، برای عملیاتی شدن پندهای اخلاقی، عدالت بدون حُسن نیت معنا ندارد. او می‌گوید که حُسن نیت، تنها چیزی است که موجودیت فرد به وسیله آن می‌تواند ارزش مطلق داشته باشد و در رابطه با موجودیت جهان می‌تواند نتیجه نهایی به حساب آید (Kant, 2002a:394).

۴- به عبارت دیگر، کانت حُسن نیت را پدیده‌ای مستقل می‌داند. کانت می‌گوید از آن‌جا که حُسن نیت به قانون‌طلایی مربوط است و به اعمالی که در جهان اتفاق می‌افتد ارتباط ندارد، پدیده مستقلی است و باید از خودش<sup>۴</sup> متبلور شود (Kant, 2002b:414).

5. construct



2013; Deleuze, 1984: 37). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در چنین شرایطی عوامل اجتماعی، فارغ از جانبداری‌های قومی، نژادی، جنسیتی،... می‌توانند به یکدیگر اهمیت دهند و رفتار عادلانه داشته باشند (Lengfeld, 2017: 207-221; Hegtvedt, 2017: 159-175).

مبتنی بر برخی تحقیقات، نقش تمایل به رعایت قانون طلایی در تعاملات و رونق اقتصادی کاملاً آشکار شده است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رفتار و تعامل منصفانه، موجبات روان شدن مبادلات اقتصادی را فراهم می‌سازند؛ و قدرت پیامدها و نتایج را افزایش می‌دهند. نتیجه چنین پیش‌بینی‌ای، افزایش نظم بازار حقیقی و مجازی، همچنین چرخش مالی فزاینده است و رونق اقتصادی را در پیش دارد (Posthuma et al, 2007: 382-395; Janssen et al, 2011: 725-747).

نتایج پژوهش‌ها در سطح خُرد نیز بر اهمیت رعایت قانون طلایی صحنه گذاشته‌اند. این مهم، در جوامع هم به لحاظ سلامت تن، روان، و طول عمر با کیفیت مورد توجه قرار گرفته است (Croix et al, 2010: 227-235)؛ هم به جهت تأثیر متقابل بر شایعه‌سازی، تقلب، به اشتراک گذاری و پیروی از قانون. بنابراین، ضرورت آن در مسیر احقاق نظم اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گرفته است (Shermer, 2005: chap. 1-3). چنین ادراکی از قانون طلایی و انصاف در روابط اجتماعی پیش‌بینی‌های اعیان اجتماعی از اجرا یا نقض قراردادها را به لحاظ روان‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب، شیوع اختلالات روان‌شناختی در پی نقض انصاف در تعاملات اجتماعی قابل پیش‌بینی است (Restubog et al et al, 2009; 165-175). لغو انصاف در تعاملات میان کنشگران اجتماعی و تحمیل سفارشات، حتی در حوزه‌های سلامت که با هدف جان انسان‌ها صورت می‌پذیرد؛ غالباً نتایج خوبی را به دنبال ندارد. به این ترتیب، عوامل سلامت اگر تمایل دارند که بیماران و افرادی که از نظر سلامت در مخاطره هستند، دستورات مربوطه را جدی بگیرند و به آن‌ها عمل کنند؛ بایسته است که در تعاملات‌شان جانب انصاف رویه‌ای را رعایت نمایند (Galon et al, 2010: 307-312).

در پژوهش‌های تجربی، مهم‌ترین توجه بر اجرای اخلاق و ملاحظات اجتماعی از جانب جامعه‌شناسان ایراد شده است. مطابق نتایج تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، نیروهای اجتماعی ضرورت‌های اخلاقی و ملاحظات اجتماعی را تضمین می‌کنند (DiCristina et al, 2007: 17-35). این نیروها که منشأ همبستگی اجتماعی هستند، اجبارات بیرونی را در وجدان افراد جامعه تجلی می‌دهند و آنان را از رفتارهای نامتعارف برحذر می‌دارند (Howard, 2014: chap. 1-3; Sorabji, 2014: chap. 2). این اندیشمندان، بر همبستگی و انسجام اجتماعی به‌عنوان شرایط مساعد برای رعایت قواعد اجتماعی تأکید فراوان دارند. در واقع، در سایه انسجام و پیوندهای اجتماعی است که افراد جامعه در یک همذات‌پنداری، خود را به‌جای دیگر افراد جامعه قرار داده و رعایت ملاحظات اجتماعی را وظیفه خود می‌پندارند (چلبی، ۱۳۸۵؛ Dai et al, 2011: 159-165; Gangas, 2011: 353-368; Acevedo, 2005; 75-85). ارتباط مقابل میان همبستگی اجتماعی و تمایل به رعایت اخلاق اجتماعی مشاهده شده است و تقدم چندانی از جانب آنان مشاهده نشده است. البته، تقدم میان شرایط مزبور توسط اندیشمندان نظم اجتماعی با اولویت ساختارهای پهن‌دامنه، انسجام و همبستگی اجتماعی اظهار شده است. که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش‌های متخصصان نظم اجتماعی، در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر ضعف اخلاقی و عدم رعایت قانون طلایی، چنان است که نقص کار در تربیت اخلاقی دیده می‌شود و در وهله نخست انگشت مسئولیت به‌سوی نظام تعلیم و تربیت، به‌ویژه آموزش رسمی نشانه می‌رود (Uslaner, 2017, 2013: 3603-3608, 2012; Bishop, 2011; Martin, 2011: 169-188). در دیدگاه آنان، از تأثیر خرده‌نظام‌های دیگر بر نظام آموزشی چشم‌پوشی نمی‌شود؛ اما، در سرتاسر اظهارات آنان مدارس به‌مثابه حلقه نهایی و مؤثرتر به‌عنوان منبع تربیت اخلاقی و مهارت‌های معاش یا دنیوی به‌شمار می‌روند که به جوانان در اتخاذ شیوه‌های زندگانی کمک می‌کنند (Uslaner, 2017; Throop, 2009).

دیدگاه تکلیف‌گرا و عقل‌گرا، توسط اندیشمندان حوزه‌های مختلف فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی رشد و پرورش چشم‌گیری داشته و مورد استفاده زیادی واقع شده است. این دیدگاه نیز مانند هر دیدگاه دیگر، از برخی جوانب مورد انتقادات جدی قرار گرفته است. یکی از انتقادهای وارد شده از جانب حس‌گرایان (عاطفه‌گرایان) است. حس‌گرایان که عاطفه را مهم‌ترین وجه انسانیت می‌دانند، مدعی اصالت احساس در عملکرد نوع بشر هستند و خصوصاً رفتار اخلاقی را مطلقاً مرهون توجهات عاطفی انسان می‌دانند نه شناخت‌های عقلی. بنابراین، آنان بر پیوندهای عاطفی، به عنوان تنها عامل سلوک اخلاقی تأکید می‌کنند (Noddings, 2008: 161-172; Carr, et al, 2005: 246-258; McCormic, 2003: 7-23).

اما، مهم‌ترین نقد اثباتی که بر این دیدگاه اعمال شده از جانب اندیشمندان جامعه‌شناسی است. آنان به تأسی از دورکیم، با پذیرش بعد شناختی برای سلوک اخلاقی، معتقدند که نمی‌توان همه رفتارهای انسان را صرفاً براساس شناخت و آگاهی او تفسیر و تبیین کرد؛ بلکه احساسات در رفتار و تمایلات اخلاقی سهم بسزایی دارند (Dingley, 2015; Smith, 2014; Prus, 2011: 156-197; Gangas, 2011: 353-369). نظریه‌پردازان نظم اجتماعی معتقدند که رفتارهای انسان افزون بر شناخت، از عوامل دیگری مانند عواطف و احساسات و نیز عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد (چلبی، ۱۳۸۵ الف). او معتقد است که می‌توان اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد و اصول رفتاری دانست، اما باید توجه داشت که متخلّق شدن به اخلاق نیکو و عمل کردن بر اساس این قواعد و اصول تنها با دانستن این قواعد حاصل نمی‌شود بلکه علاوه بر دانستن قواعد، شرایط درونی و بیرونی انجام عمل اخلاقی نیز لازم و ضروری است. بنابراین، در تربیت اخلاقی نمی‌توان به این دیدگاه به تنهایی بسنده کرد (چلبی، ۱۳۸۵ ب). نظریه نظم اجتماعی، با هدف احقاق نظم و انضباط اجتماعی متوجه رشد شخصیت در نظام تعلیم و تربیت در جامعه است. در نظریه نظم اجتماعی، که چارچوب نظری این مقاله بر آن بنا شده؛ رعایت اخلاق مورد تبیین واقع شده است. این تمایل هنجاری که منتهی به

انسجام شخصیت می‌شود، نتیجه شرایط تربیتی است. در ادامه، به بخشی از این دیدگاه که مرتبط با این مقاله است پرداخته می‌شود.

### چارچوب نظری

در دیدگاه نظم اجتماعی، تعریف عمومی اخلاق به نوعی همان قانون طلایی است که در کنه مسئله فرقی نمی‌کند توسط کدام اندیشمند اظهار شده باشد. در این دیدگاه، اخلاق عبارت است از «رعایت ملاحظات اجتماعی از طرف فرد؛ به طوری که او مزایای دیگری را در تابع سود و زیان خود لحاظ کند». این «دیگری» را ممکن است در پیوستاری تصور کرد که در یک قطب آن مجردترین، عام‌ترین و فراگیرترین «دیگری تعمیم‌یافته» وجود دارد؛ و با نزدیک شدن به قطب مخالف پیوستار مزبور، از سطح انتزاع کاسته می‌شود تا جایی که در قطب مخالف «دیگری» می‌تواند فرد (افراد) انضمامی باشد (چلبی، ۱۳۸۵ الف: ۱۶۶). چلبی، معتقد است که می‌توان اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد و اصول رفتاری دانست، اما باید توجه داشت که متخلّق شدن به اخلاق نیکو و عمل کردن بر اساس این قواعد و اصول تنها با دانستن این قواعد حاصل نمی‌شود، بلکه علاوه بر دانستن قواعد، شرایط درونی و بیرونی انجام عمل اخلاقی نیز لازم و ضروری است. بنابراین، در تربیت اخلاقی نمی‌توان به این دیدگاه به تنهایی بسنده کرد (چلبی، ۱۳۸۵ الف: ۱۸۶-۶۵).

در پژوهش‌های مبتنی بر دیدگاه نظم اجتماعی، بنیان و منشأ اخلاق اجتماعی وجود حداقلی از همبستگی اجتماعی<sup>۲</sup> و انسجام اجتماعی<sup>۳</sup> است. در نتایج پژوهش‌های آسلنر، کِنّی، و هوارد نقش انسجام اجتماعی بسیار برجسته شده است. به تاسی از مطالعات دورکیم، نتایج تحقیقات آنان نیز مؤید آن است که در پرتو انسجام اجتماعی،

۱- این تعریف منسوب به مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی ایران است.

2. solidarity  
3. integration

افراد تحت نظارت اجتماعی واقع می‌شوند، وجدان جمعی‌شان شکل می‌گیرد و نوعی اجبار اخلاقی را تجربه می‌کنند. وجدان فردی، به راهنما و نظارت‌کننده مؤثر رفتار آنها تبدیل می‌شود؛ ضمن آن‌که هم‌چنان مستقل از افراد باقی خواهد ماند. سیطره نظارت و اجبار اخلاقی موجب می‌شود که افراد جامعه از عوارض ناکامی و مصیبت‌های ممکن مصون بمانند و به رفتارهای خودخواهانه و ستیزه‌جویانه اقدام نمایند (Smith, 2014; Howard, 2014; Kenny, 2010: 215-242).

در پژوهش‌های مزبور، وحدت ارزشی به انحاء مختلف آشکار می‌شود. گروه‌های شغلی که مبتنی بر وظایف متمایز ولی مکمل باشند، عاملان را به گروه پیوند می‌دهند. فراوانی تعامل دارای الگو، گواه بر درجه انسجام ارزشی گروه است؛ یعنی نشان می‌دهد که اعضای گروه در ارزش‌ها و باورهای سهیم‌اند. جمعیت‌هایی که درجه توافق‌شان بالا است، در مقایسه با گروه‌هایی که توافق گروهی‌شان ضعیف است، رفتار انحرافی کمتری دارند. برای مثال، هرچه اعتقاد یک گروه مذهبی نیرومندتر باشد، آن گروه احتمالاً منسجم‌تر است و از هم‌بین روی، بهتر می‌تواند محیط را فراهم سازد که اعضایش در آن محیط از تجربه‌های آزاردهنده<sup>۱</sup> و نومیدکننده<sup>۲</sup> در امان بمانند (Smith, 2014; Howard, 2014; Uslaner, 2002: 239-352). نتیجه چنین تحقیقاتی، تأکید بر آن است که نه تنها جوامع ابتدایی، بلکه نظام‌های مبتنی بر تمایز و تقسیم کار بسیار پیشرفته نیز اگر نخواهند به صورت توده‌ای از افراد خودخواه<sup>۳</sup> و متخصص<sup>۴</sup> به حقوق همدیگر متلاشی شوند، محتاج یک ایمان مشترک یا وجدان جمعی مشترک<sup>۵</sup> هستند (Uslaner, 2002: 6-12, 2002).

- 
1. perturbing
  2. frustrating
  3. self-seeking
  4. antagonistic
  5. common conscience collective

نتایج تحقیقاتی دیگر، به تأسی از دورکیم، نشان می‌دهند که هر گاه تنظیم‌های اجتماعی<sup>۱</sup> از هم گسیخته گردند، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کارآیی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. هیتلین، برک، و دفلم تصریح می‌کنند که دورکیم چنین وضعیتی را آنومی می‌خواند. در این موقعیت، که معمولاً حاصل دگرگونی‌های اجتماعی است، آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی<sup>۲</sup> می‌مانند و هر کسی تنها هدف‌های شخصی‌اش را دنبال می‌کند (Hitlin, 2008; Deflem, 2006; Berk, 2006: 58-70). در تحقیقات یادشده، شرایط مزبور بستر لازم برای تمایل افراد جامعه به رعایت ملاحظات اجتماعی را فراهم می‌کند و از طرف دیگر، عدم برقراری شرایط، مسبب اضمحلال انسجام و همبستگی اجتماعی خواهد شد.

در نظریه نظم اجتماعی، پرورش تمایل افراد به رعایت هنجارهای اخلاقی منوط به عملکرد مناسب نهادهای آموزشی، به‌ویژه آموزش رسمی است. در این محیط است که فرد تربیت می‌شود تا در شرایط خنثی، هنجارهای اخلاقی را فارغ از دلبستگی‌های خاص‌گرایانه خود به‌طور وسیع و عام‌گرا رعایت نماید و از نابهنجاری‌ها دوری کنند (Uslaner, 2017). به‌عبارت دیگر، مدرسه مهم‌ترین ساخت اجتماعی است که فرصت درونی کردن محیط‌های مختلف را در روند اجتماعی کردن در اختیار عاملان خود (اعم از معلم و شاگرد) می‌گذارد و امکان تعریض افق‌های عاطفی و هنجاری را به آن‌ها می‌دهد. این عاملان، در لوای بسط هنجاری و ارزشی، اوامر و پیشنهاد‌های اخلاقی فرهنگ خود را برای دیگری تعمیم یافته مجاز و الزامی خواهند شمرد (چلبی، ۱۳۷۵).

البته، در گام‌های نخست عمده اهداف تربیتی عبارتند از: تقویت تعهد عام‌گرا، احساس عام‌گرا، هویت‌های عام، به‌ویژه هویت ملی، همچنین کاهش خاص‌گرایی و فردگرایی خودخواهانه متعلمان (Dingley, 2015). در نظریه نظم اجتماعی در رابطه با

- 
1. social regulations
  2. moral guidance

تربیت اخلاقی و تعمیم احساسات تأکید می‌شود که فرد چنان پرورش یابد تا نسبت به هم‌نوعان خود حساسیت داشته باشد؛ با آنان همدلی کرده و در شادی و رنج دیگران مشارکت عاطفی نموده و نسبت به آنان احساس تعهد داشته باشد (چلبی، ۱۳۷۵: فصل نهم؛ Bruton, 2004: 179-180; Prus, 2011: 55-97). پرورش عاطفی نونهالان، شایسته است به نحوی صورت گیرد که آنان دریابند مشارکت عاطفی آنان نباید به خویشان و نزدیکان محدود گردد؛ بلکه افرادی در حوزه وسیع‌تر را نیز شامل شود (Opatow et al, 2005: 304-315; Lemert, 2003; 303-318).

نقش شرایط کلان و متغیرهای پهن‌دامنه در این دیدگاه از نظر پنهان‌نمانده است. روند تکوین و توسعه جامعه مدنی به عنوان یک منطقه بالنده و قوی در گرو دو فرایند دیگر، یعنی فرایند درونی‌کردن و فرایند نهادینه‌سازی است و این به عهده جامعه و نخبگان آن است که این سه فرایند را در یک برنامه راهبردی مشترک در ارتباط با یکدیگر به‌خوبی ببینند و عزم و تحمل و تدبیر آن را داشته باشند تا آن‌ها را در عمل، راهبری و پاسداری نمایند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۱-۲۹۰). اکنون با توجه به چارچوب نظری و با توجه به شرایط محیط تحقیق، فرضیه‌های این پژوهش ارائه می‌شوند. تأکید می‌شود که اثر شرایط کلان به دلایل استراتژیک مورد سنجش قرار نگرفته است.

### فرضیه‌های پژوهش

اکنون با توجه به چهارچوب نظری و تأکید بر تمایل جوانان نخبه به رعایت قانون طلایی، فرضیه‌های غیرجهت‌دار زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه ۱: تمایلات هنجاری فرد بر تمایل او نسبت به رعایت قانون طلایی مؤثر است.

فرضیه ۲: شرایط تربیتی در محیط خانواده بر تمایل فرد نسبت به رعایت قانون طلایی مؤثر است.

فرضیه ۳: شرایط تربیتی مدرسه بر تمایل فرد نسبت به رعایت قانون طلایی مؤثر است.

در ادامه نحوه آزمون فرضیه‌های مزبور ارائه می‌شود.

### روش تحقیق

راهبرد اصلی این پژوهش، بنا بر نوع فرضیه‌ها و اقتضائات تحقیق که مبتنی بر اثر شرایط تربیتی در تمایل جوانان نسبت به رعایت قانون طلایی است، روش تلفیقی است. زیرا به زعم محقق، دریافت یک نمای کلی و وضعیت اخلاقی جوانان محتاج انجام تحقیق کیفی و پیمایش می‌باشد. البته، ارائه نتایج تحقیق به شکلی است که یافته‌های مبتنی بر پیمایش برجسته‌تر شده است. لازم به ذکر است روش کیفی به‌عنوان گام‌های عمیق ابتدایی، مسیرهای مطمئن‌تری را برای پیمایش گشوده است و شاید بدون آن، امکان پیمایشی مناسب میسر نمی‌شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، یادداشت‌های محقق از مصاحبه با اعیان اجتماعی و فرهنگی مدارس و پرسشنامه حاوی پرسش‌های سیستماتیک در سطوح خانواده، مدرسه، کلاس درس و فرد است که توسط دانش‌آموزان نمونه تحقیق پُر شده است<sup>۱</sup>. این پرسشنامه از تلفیق پرسشنامه‌های موجود در تحقیقات پیشین تهیه شده است که از اعتبار و روایی بالایی برای سنجش متغیرهای نظم اجتماعی برخوردار می‌باشند (سنایی، ۱۳۹۵؛ نقدی، ۱۳۹۱ الف).

نمونه این پژوهش، شامل ۱۳۶ دانش‌آموز نخبه از مقاطع اول و دوم متوسطه است. این دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تحت آموزش سمپاد، در غرب استان تهران مشغول تحصیل هستند. این تعداد، کاملاً متناسب با توزیع مدارس تیزهوشان در

---

۱- نخبگان همکار پژوهش عبارتند از: آقای مهندس محمدعلی بیابی، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی مواد و آقای عرفان بیابی، فارغ‌التحصیل رشته فیزیک که در مراحل گردآوری اطلاعات کمی و کیفی، اعم از مصاحبه‌های گروهی، مصاحبه‌های فردی و انجام پیمایش کمک‌های شایانی نموده‌اند.



غرب استان تهران و جمعیت تحقیق نیست، اما، به لحاظ موانع موجود در دستیابی به موارد و پاسخگویان در مراکز آموزش و پرورش، نمونه مزبور مناسب و قابل ملاحظه است<sup>۱</sup>. لازم به ذکر است که دو پرسشنامه، به علت عدم تمایل پاسخگویان به مشارکت با دقت، از مجموع پرسشنامه‌ها حذف شده؛ و نهایتاً ۱۳۴ پرسشنامه به مرحله تحلیل وارد شده است. بنابراین، در این مقاله واحد تحلیل فرد می‌باشد؛ استخراج مدل‌ها و الگوهای ریاضی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود و گزارش نهایی مطابق اصول پیمایش اجتماعی و با تأییدات پژوهش کیفی (Bulmer, 2010: 215-227) عرضه می‌گردد.

تعریف مفهومی، عملیاتی و مقیاس‌سازی تمایل به ملاحظات اجتماعی (رعایت قانون طلایی). در این مقاله، تمایل به رعایت قانون طلایی (رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی) مطرح نظر می‌باشد. تمایل هنجاری نسبت به ملاحظات اجتماعی زمانی است که فرد متمایل است که خود را به جای دیگران قرار دهد و با آنان همذات‌پنداری نماید. جهت سنجش عملیاتی این مفهوم، تمایل به ملاحظات اجتماعی که بیشتر برای نوجوانان ملموس است مطرح نظر قرار گرفته است. به همین سیاق، فرد زمانی به

---

۱- یکی از موانع نمونه‌گیری در محیط‌های آموزش رسمی عبارت است از عدم تمایل مدیران آموزش و پرورش و سمپاد نسبت به ورود محققان به این مراکز؛ به علت سوگیری‌های اخیر برخی منتقدین در جهت تعطیلی این بخش از آموزش و پرورش کشور. امکان تحقیق و مشاهده از مرکز سمپاد دخترانه اصلاً میسر نشد. یکی از نتایج این عدم همکاری محروم ماندن این پژوهش در سنجش متغیر جنسیت بر رعایت ملاحظات اجتماعی است. یکی دیگر از موانعی که بر سر راه نمونه‌گیری سیستماتیک در سمپاد وجود دارد، عبارت است از عدم زمان کافی برای مصاحبه با دانش‌آموزان و تقویت ابعاد کیفی و کمی پژوهش. به عبارت دیگر، به علت فشرده بودن جدول درسی و اصرار معلمان برای اجرای کلاس‌ها، امکانات محدودی برای مصاحبه با آنان وجود دارد (همان‌طور که در بخش نتایج مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۱ توانستیم فقط با ۶۹ دانش‌آموز و در سال ۱۳۹۵ با ۱۲۶ دانش‌آموز مصاحبه کنیم). به همین دلیل، اجازه مصاحبه با بخشی از دانش‌آموزانی که در نمونه‌گیری سیستماتیک مورد هدف قرار داشته به ما داده شده است و به طریق اولی، والدین برخی دانش‌آموزان نیز با وجود تمایل باطنی آن جوانان، راضی به همکاری فرزندان‌شان با پژوهش نشده‌اند. لازم به ذکر است که تعداد بسیار قلیلی نیز از جانب والدین‌شان نسبت به همکاری با پژوهش منع شده‌اند و طبعاً به فرایند مصاحبه و پرکردن پرسشنامه وارد نشده‌اند.

رعایت قانون طلایی تمایل دارد که مشکل دیگران را مشکل خود بداند و خود را در شرایط سخت به جای دیگران قرار دهد و احساس آنان را درک کند. این مقیاس بر روی یک پیوستار پنج قسمتی ساخته شده است که عدد یک (۱) به امتیاز پایین و عدد پنج (۵) به امتیاز بالا اختصاص داده شده است. مقیاس ساخته شده، تمایل به رعایت قانون طلایی را می‌سنجد: **امتیاز بالا**: فرد مشکلات دیگران را از آن خود می‌داند و تمایل دارد خود را به جای آنان قرار دهد تا احساس آنان را درک نماید. **امتیاز پایین**: فرد تمایل چندانی برای درک مشکلات دیگران ندارد و خود را به جای دیگران قرار نداده و تمایلی ندارد احساس آنان را درک کند.

جدول ۱- بارشدگی و ضریب اعتبار شاخص تمایل به رعایت قانون طلایی

مقادیر بارشدگی	ابعاد	شاخص قانون طلایی
۰/۷۲۲	به نظر من، فقط باید به فکر خودت باشی.	رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی
۰/۶۷۴	مشکلات دیگران به ما مربوط نیست و به خودشان مربوط است.	
۰/۷۲۵	به نظر من، این که برای درک احساسات دیگران خودمان را به جای آنان فرض کنیم کاری بی‌فایده است.	
۰/۶۷۳	مشکلات دیگران به ما هم مربوط است.	
۰/۶۴۷	من همیشه خودم را به جای دیگران فرض می‌کنم و احساس آنان را درک می‌کنم.	
۰/۷۲۳	به نظر من، همیشه باید به فکر دیگران هم باشی.	
۰/۷۳۰		
(۰/۰۰۰) ۸۶/۰۲۶		کی دو (معناداری)
۰/۶۴۰		آلفای کرونباخ ( $\alpha$ )

جدول ۱، جهت مقیاس‌سازی، تمایل نخبگان جوان به رعایت قانون طلایی را، با توجه به تعریف بالا و داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد. جدول ۱، ضریب اعتبار این شاخص و ارتباط گویه‌های مربوطه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، همه معرف‌ها با ضریب اعتبار درونی ۶۴ درصد، روی یک عامل بار شده‌اند. پس، مقدار متوسط متغیرهای مورد نظر به‌عنوان شاخص تمایل هنجاری نخبگان جوان در به‌کارگیری قانون طلایی مورد استفاده قرار گرفته است.

### نتایج پژوهش

به جهت تقویت وجه‌سنجش اجتماعی پژوهش، مهم‌ترین ملاک برای انتخاب مدارس سمپاد، اصل تصادفی بودن در انتخاب بوده است. اما به جهت محدودیت‌های دسترسی به مدارس و ورود به فضاهای آموزشی در آموزش و پرورش کشور به علت ممانعت بخش حراست، ملاک دسترسی به‌عنوان مهم‌ترین معیار در این نمونه‌ها لحاظ شده است. به این ترتیب، بنا به امکان دسترسی، برای مصاحبه و پرکردن پرسشنامه به ۱۳۴ جوان نخبه که در مراکز پسرانه سمپاد (علامه حلی) تحصیل می‌کنند مراجعه شده است. جدول ۲، پایه تحصیلی این جوانان را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع اول متوسطه؛ و ۶۲ درصد آنان در مقطع دوم متوسطه مشغول به تحصیل می‌باشند.

جدول ۲- مقطع تحصیلی جوانان نخبه

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد
مقطع اول متوسطه	۵۱	۳۸/۰۶
مقطع دوم متوسطه	۸۳	۶۱/۹۴
کل	۱۳۴	۱۰۰

۲۲۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰

در جدول ۳، می‌توان تفاوت سنی پاسخگویان را مشاهده نمود. مطابق این جدول، ۲۲ درصد نخبگان جوان که در نمونه تحقیق قرار داشته‌اند، سیزده سال و کمتر داشته‌اند. ۳۱ درصد از پاسخگویان پانزده سال و بیشتر داشته‌اند. همچنین، ۴۶ درصد نمونه تحقیق دارای سنینی بین سیزده تا پانزده سال می‌باشند.

جدول ۳- سن جوانان نخبه

سن	تعداد	درصد
تا سیزده سال	۳۰	۲۲/۳
از سیزده تا چهارده سال	۲۳	۱۷/۲
از چهارده تا پانزده سال	۳۹	۲۹/۱
از پانزده تا شانزده سال	۳۴	۲۵/۴
از شانزده به بالا	۸	۶/۰
کل	۱۳۴	۱۰۰

جدول ۴، نتایج تحلیل واریانس تمایل جوانان نخبه نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را نشان می‌دهد. مقدار متوسط این تمایل هنجاری بر روی یک طیف از عدد یک (۱) تا عدد پنج (۵) به دست آمده است. مشاهده می‌شود که مقدار متوسط این تمایل هنجاری در سال ۱۳۹۱، عدد ۲/۳۳؛ در سال ۱۳۹۵، عدد ۲/۹۰، و در سال ۱۳۹۸، عدد ۲/۹۹ بوده است. مطابق جدول ۴، تمایل نخبگان نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی در سه سال مزبور دارای یک سیر صعودی معنادار در سطح یک‌هزارم است. تصریح می‌شود که تفاوت دوجه‌دوی این تمایل هنجاری در سه سال تحقیق، تحت آزمون شف<sup>۱</sup> قرار گرفته و تفاوت معنادار کمتر از پنج درصد را آشکار ساخته است.

---

1. Scheffe test

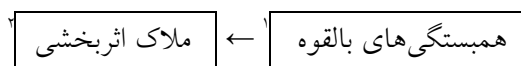
جدول ۴- تحلیل واریانس مربوط به تمایل نخبگان جوان

نسبت به رعایت ملاحظات و اخلاق اجتماعی

Sig	F	تعداد	میانگین	سال پژوهش
۰,۰۰۰	۴۲/۸۴۴	۶۹	۲/۳۳۲	۱۳۹۱
		۱۲۶	۲/۹۰۴	۱۳۹۵
		۱۳۴	۲/۹۹۸	۱۳۹۸

از آنجا که عمده گزارش این مقاله بر نتایج سال ۱۳۹۸ استوار است؛ لازم به ذکر است که در سال ۱۳۹۸، به غیر از مقدار متوسط امتیاز کسب شده که برابر با ۲/۹۹ است، بالاترین امتیاز کسب شده ۴/۸ و کمترین امتیاز ۱ می‌باشد و میانه امتیازات ۳/۰۰ است. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۹۸ نیمی از پاسخگویان در تمایل به رعایت قانون طلایی بیش از سه امتیاز آورده‌اند؛ و نیم دیگر کمتر از سه امتیاز کسب نموده‌اند. تأکید می‌شود که تحلیل واریانس این تمایل هنجاری، نسبت به شرایط اسمی جنسیت، محله و مدرسه معنادار نبوده است؛ بنابراین، از گزارش آن‌ها صرف‌نظر شده است.

نائل آمدن به هدف تحقیق، محتاج ورود به تحلیل آماری دو متغیری و چند متغیری است. جدول ۵، میزان همبستگی آماری متغیرهای مستقل با تمایل جوانان نخبه نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را، از حیث مقدار و معناداری نمایش می‌دهد. تحلیل آماری دوبه‌دوی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، همگی کم و بیش به‌طوری معنادار فرضیه‌های پژوهش را تأیید می‌کنند. هرچند وجود همبستگی آماری، ملاک اثربخشی است و آشکار کننده نظم ریاضی موجود در طبیعت می‌باشد (نمودار ۱، از شولمن)؛ اما، تأکید می‌شود که وجود چنین همبستگی ضرورتاً دال بر وجود رابطه علی بین متغیرها نیست، اما با وارد شدن به مدل‌های رگرسیون و تعیین روابط علی آماری، به علت حضور و اثر دیگر متغیرها، نه تنها مقدار ضرایب تغییر می‌کنند، بلکه ممکن است جهت تأثیر آن‌ها نیز تغییر کند.



نمودار ۱- همبستگی های آماری به مثابه

آشکار شدن نظم ریاضی موجود در محیط تحقیق (اقتباس: Schulman, 1986)

در این مرحله، برخی روابط همبستگی موجود، که نسبتاً به افزایش دانش نظری ما کمک می‌کند، مختصراً توضیح داده می‌شود. در جدول ۵، همبستگی متغیرهای مربوط به جامعه با تمایل جوانان نخبه به رعایت قانون طلایی، یا ملاحظات اجتماعی نمایش داده می‌شود. در جدول ۵ مشاهده می‌شود که هرچه جوانان نخبه نظام برخورد با جرائم را عادل‌تر ارزیابی نمایند، تمایل آنان به رعایت ملاحظات اجتماعی بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، هر چه پاسخگویان رفتار منصفانه پلیس و نظام قضایی را بیشتر مشاهده کنند، بیشتر تمایل خواهند داشت که قانون طلایی را در سطح جامعه رعایت کنند. همچنین مشاهده می‌شود که هرچه جوانان نخبه رسانه‌ها و مسئولان را صادق‌تر ارزیابی نمایند، تمایل آنان نسبت به ملاحظات اجتماعی افزایش خواهد یافت. مشروعیت بیشتر حکومت نیز موجب افزایش تمایل جوانان نخبه به رعایت ملاحظات اجتماعی می‌گردد. به عبارتی، هرچه جوانان نخبه، نظام حاکم را مشروع‌تر ارزیابی کنند، کلام رسانه‌ها و مسئولان را صادق‌تر دریافت کنند و نظام قضایی را عادل‌تر تصور کنند، نظارت اجتماعی بر آنان افزایش یافته و وجدان اخلاقی آنان در رعایت ملاحظات اجتماعی فعال‌تر خواهد شد.

---

1 - potential correlation  
2 - criterion of effectiveness

تحلیل تجربی تمایل نخبگان جوان به انتظام اجتماعی ... ۲۲۳

جدول ۵- رابطه همبستگی تمایل جوانان نخبه به رعایت قانون طلایی با برخی متغیرهای مستقل

معناداری	همبستگی	متغیرهای مربوط به مدرسه	معناداری	همبستگی	متغیرهای مربوط به خانواده و سلامت
۰/۰۰۰	۰/۲۹۹	شاخص نظم در مدرسه	۰/۰۳۹	۰/۱۷۸	تعداد خواهر
۰/۰۰۰	۰/۲۳۲	انصاف مدرسه در عدم تبعیض	۰/۰۴۵	۰/۱۷۳	همبختی در خانواده
۰/۰۰۶	۰/۲۳۶	صداقت اولیای مدرسه	۰/۰۰۸	۰/۲۲۸	مذهب خانواده
۰/۰۰۱	۰/۲۷۲	صداقت علمی دانش آموزان	۰/۰۰۷	۰/۲۳۱	احساس سلامت تن و روان
۰/۰۱۳	۰/۲۱۳	هویت مدرسه‌ای و دوستی	۰/۰۱۹	۰/۲۰۲	نشانگان سلامت جسمانی
معناداری	همبستگی	متغیرهای مربوط به کلاس درس	۰/۰۰۶	۰/۲۳۶	نشانگان افسردگی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۸	فایده مطالب معلم فارسی	معناداری	همبستگی	تمایلات هنجاری فرد
۰/۰۱۷	۰/۳۳۳	اخلاقی بودن رفتار معلم فارسی	۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	هویت ملی
۰/۰۲۱	۰/۳۳۳	فایده مطالب معلم دینی و قرآن	۰/۰۰۱	۰/۲۹۷	تمایل به انجام شعائر مذهبی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۳	انصاف معلم دینی در نمره	۰/۰۰۴	۰/۲۴۷	عزت نفس
۰/۰۰۴	۰/۳۹۵	اخلاقی بودن رفتار معلم ورزش	۰/۰۰۰	۰/۳۵۴	تمایل به رعایت قواعد و قوانین
۰/۰۰۹	۰/۳۶۱	انصاف معلم ورزش در نمره	۰/۰۰۰	۰/۴۱۶	صداقت پاسخگو
معناداری	همبستگی	متغیرهای مربوط به جامعه	۰/۰۰۲	۰/۲۷۰	تعهد خاص گرا
۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	عدالت و انصاف پلیس و دادگاه	۰/۰۰۰	۰/۴۶۲	تعهد عام گرا
۰/۰۰۰	۰/۲۹۷	صداقت رسانه‌ها و مسئولان	۰/۰۰۵	۰/۲۴۱	اعتماد خاص گرا
۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	مشروعیت حکومت	۰/۰۰۱	۰/۲۷۹	اعتماد عام گرا

در جدول ۵، همبستگی متغیرهای مربوط به مدرسه و کلاس درس، با تمایل پاسخگویان به رعایت ملاحظات اجتماعی یا قانون طلایی نمایش داده می‌شود. در این جدول مشاهده می‌شود که نظم در مدرسه با تمایل نخبگان تحت تعلیم نسبت به رعایت قانون طلایی رابطه مستقیم دارد. هرچه جوانان، مدرسه‌ای که در آن درس می‌خوانند را منظم‌تر ارزیابی کنند، تمایل آنان نسبت به رعایت اخلاق افزایش می‌یابد. همچنین هرچه جوانان نخبه، دیگر شاگردان را در ارائه تکالیف و انجام آزمون‌ها صادق‌تر ارزیابی نمایند، تمایل آنان در رعایت ملاحظات اجتماعی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، هر چه پاسخگویان مشاهده کنند که دیگر جوانان نخبه در آزمون‌ها بیشتر تقلب می‌کنند، نظارت اجتماعی و وجدان جمعی را ضعیف‌تر ارزیابی کرده و تمایل آنان به رعایت اخلاق کاهش می‌یابد.

این‌که آیا این روابط کاذب هستند یا علی و اگر علی هستند، چه جزئی از آن‌ها ناشی از اثر مستقیم است و چه جزئی اثر غیرمستقیم، در تحلیل رگرسیونی چندگانه تا حدودی روشن خواهد شد (چلبی، ۱۳۸۵ الف: ۱۷۴). بنابراین، برای تحقیق در مورد سهم علی متغیرها، مدل‌های رگرسیونی استخراج می‌شود. به این منظور، ضرایب همبستگی تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت قانون طلایی با آن دسته از متغیرهای اصلی که سطح معناداری آن‌ها بالاتر از پنج درصد است، محاسبه و برای تعیین در معادله رگرسیون وارد شده‌اند.

تحلیل آماری رگرسیون چندگانه که نقش علی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را آشکار می‌سازد نیز همگی به‌طور معنادار تأیید کننده فرضیه‌های تحقیق هستند. نتایج این واکاوی در جداول ۶ و ۷ نمایش داده می‌شود. این جداول، شامل مدل‌های ریاضی و ضرایب رگرسیون تمایل جوانان نخبه به رعایت ملاحظات اجتماعی یا قانون طلایی است؛ که گام به گام در معادله رگرسیون چندگانه باقی مانده‌اند. هر کدام از مقادیر ثابت و متغیر در این مدل‌های ریاضی به‌نوبه خود و به‌شرط معنادار بودن، دارای اهمیت بسزایی هستند. بنابراین، در توضیح هر یک از مدل‌ها، هم به ضریب متغیرها و هم به مقادیر ثابت توجه خواهد شد.



مدل ۱، در جدول ۶، با هفت متغیر، توان تبیین ۷۷ درصد از تمایل پاسخگویان به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را نشان می‌دهد. این مدل آشکار می‌کند که در سطح خانواده، دو متغیر «تعداد خواهر» و «هم‌بختی در خانواده» نقش علی در تمایل جوانان نخبه به رعایت قانون طلایی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، اگر پاسخگویان دارای خواهر باشند یا هرچه تعداد خواهران‌شان بیشتر باشد، تمایل آنان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی بیشتر است. به عبارتی، نخبگانی که دارای خواهر هستند، خود را بیشتر به رعایت ملاحظات اجتماعی ملزم می‌دانند. در ادامه این مدل، نشان می‌دهد که هرچه هم‌اقبالی در خانواده بیشتر باشد، تمایل جوانان نسبت به رعایت قانون طلایی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، هر چه پاسخگویان و والدین‌شان دارای اهداف همگرا تر و مرتبط باشند، تمایل آنان به ملاحظات اجتماعی وسیع کاهش می‌یابد. گویا، اگر هم‌بختی و هم‌اقبالی بیشتری در خانواده وجود داشته باشد، این انسجام خانوادگی موجب کاهش عام‌گرایی جوانان نخبه شده و تمایل آنان به رعایت ملاحظات اجتماعی در سطح وسیع خواهد یافت.

مدل ۱ نشان می‌دهد که در سطح مدرسه، «صداقت علمی دانش‌آموزان» و «رفتار اخلاقی معلم ورزش» در تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی تأثیر علی هستند. این مدل، تأکید می‌کند که هرچه رفتار معلم ورزش در مراکز تربیت تیزهوشان اخلاقی‌تر باشد، تمایل دانش‌آموزان به رعایت اخلاق افزایش خواهد یافت. در واقع، رفتار اخلاقی معلم ورزش که در محیط‌های عملیاتی و تجربی قابل مشاهده است، بر تمایلات اخلاقی جوانان نقش تقویت‌کننده ایفا می‌کند. برای مثال، اگر معلم ورزش در فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی مشوق خطاهای فنی باشد و تکنیک‌های فرار از بازی منصفانه را به اجرا گذارد، جوانان تحت تعلیم به نقض اخلاق سوق خواهند یافت. مدل ۱ آشکار می‌کند که هر چه جوانان نخبه، هم‌کلاسی‌های خود را بیشتر در حال تقلب مشاهده کنند، تمایل آنان در رعایت قانون طلایی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، هر چه نخبگان در مدارس تیزهوشان، دیگر جوانان را در ارائه تکالیف و انجام آزمون‌ها صادق‌تر ببینند، تمایل آنان به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول ۶- مدل‌های رگرسیونی چندگانه؛ مربوط تمایل هنجاری نسبت به قانون طلایی اخلاق

مدل ۳: خروج هویت ملی و تعهد عام‌گرا			مدل ۲: خروج هویت ملی			مدل ۱: تمام متغیرهای تحقیق			مدل‌های رگرسیونی
Sig.T	$\beta$	B	Sig.T	$\beta$	B	Sig.T	$\beta$	B	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰		-۴/۴۰۴	۰/۰۰۴		-۲/۴۶۴	۰/۰۱۱		-۱/۳۷۵	مقدار ثابت
						۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	۰/۴۷۸	هویت ملی
۰/۰۰۰	۰/۴۴۴	۰/۸۰۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	۰/۶۰۹	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵	۰/۷۵۳	تعداد خواهر
			۰/۰۳۷	۰/۲۲۵	۰/۱۶۰	۰/۰۱۰	۰/۲۷۷	۰/۱۹۷	تعهد عام‌گرا
۰/۰۰۷	۰/۲۳۹	۰/۱۶۹	۰/۰۰۳	۰/۲۷۶	۰/۱۹۶	۰/۰۰۹	۰/۲۲۷	۰/۱۶۱	تمایل به انجام شاعر مذهبی
						۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	۰/۲۱۸	اخلاقی بودن رفتار معلم‌ورزش
۰/۰۰۲	۰/۲۷۷	۰/۳۰۵	۰/۰۰۸	۰/۲۶۷	۰/۲۹۵	۰/۰۱۶	۰/۲۱۳	۰/۲۳۷	صداقت علمی دانش‌آموزان
						۰/۰۲۶	-۰/۲۳۵	-۰/۲۷۰	هم‌بختی خانواده
			۰/۰۰۸	۰/۲۵۶	۰/۲۴۹				فایده مطالب فارسی
			۰/۰۳۴	۰/۲۱۶	۰/۵۰۸				احساس سلامت تن و روان
۰/۰۷۴	۰/۱۶۶	۰/۲۲۵							صداقت پاسخگو
۰/۰۰۸	۰/۲۳۸	۰/۳۲۲							انصاف معلم دینی در درج نمره
۰/۰۰۵	۰/۲۵۷	۰/۴۷۵							عدم نشانگان افسردگی
۰/۰۳۳	۰/۱۹۶	۰/۲۴۶							اخلاقی بودن معلم فارسی
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		معنی‌داری مدل
	۰/۸۶۹			۰/۸۴۶			۰/۸۷۷		R
	۰/۷۵۵			۰/۷۱۵			۰/۷۷۰		R Square

مدل ۱ نشان می‌دهد که در سطح فرد، سه متغیر «هویت ملی»، «تعهد عام‌گرا» و «تمایل به شعائر مذهبی» که هر سه تمایل عامل‌گرا هستند، در تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی نقش علی ایفا می‌کنند. این مدل آشکار می‌سازد که هرچقدر جوانان نخبه، هویت ملی قوی‌تری داشته باشند، بیشتر متمایل خواهند بود تا قانون طلایی را رعایت کنند. همچنین تعهد پاسخگویان به شکل عام‌گرا فعال شود، تمایل آنان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی بیشتر است. همچنین، تمایل جوانان نخبه به اجرای شعائر مذهبی، فارغ از اجبار و پاداش‌های بیرونی، نقش تقویت‌کننده بر تمایل آنان نسبت به رعایت اخلاق دارد. به عبارت دیگر، تمایلات عام‌گرا موجب می‌شود که نخبگان جوان نظارت‌های اجتماعی را احساس کرده و نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی به‌طور وسیع فعال شوند.

اما، نکته مهم دیگری که مشاهده می‌شود، مقدار ثابت<sup>۱</sup> معادله است. این مقدار نتیجه برون‌یابی<sup>۲</sup> مدل است و نشانگر مقدار متغیر وابسته فارغ از تأثیر متغیرهای مستقل است. با توجه به مقدار منفی آن (-۱/۳۸)، که از عدد یک (به‌عنوان پایین‌ترین امتیاز ممکن) کمتر است، می‌توان ادعا نمود که فارغ از شرایط مدل و تأثیر متغیرها، تمایل جوانان نخبه به رعایت ملاحظات اجتماعی در شرایط بحرانی است. در حقیقت، تأکید بر آن است که بدون تأثیر عوامل تربیتی که در مدل به آن‌ها اشاره شده است؛ نظارت اخلاقی قابل توجهی بر جوانان نخبه وجود ندارد و آنان فی‌الذمه نسبت به اخلاق و رعایت ملاحظات اجتماعی بسیار ناتوان هستند. برای تشریح این شرایط، به نتایج کیفی تحقیق که از مصاحبه با محصلان در مراکز تیزهوشان و خانواده‌های آنان حاصل شده است، مراجعه می‌شود. این نتایج از برخی ظرایف فرهنگی و اجتماعی که بر تمایلات نخبگان جوان مؤثرند پرده برمی‌دارند. شواهد کیفی مؤید این واقعیت است که تمایلات

---

1. Intercept  
2. extrapolation

هنجاری این جوانان به محض قبولی در آزمون تیزهوشان تغییر می‌کند و شکل جدید به‌خود می‌گیرد. ورود جوانان به مراکز سمپاد، مصادف است با

- احساس پیروزی در یک آوردگاه، که دیگران از عهده آن برنیامده‌اند؛
- دریافت جایزه و پاداش از جانب والدین و دیگران مهم؛
- تبریک از جانب افراد دور و نزدیک و احساس تفاخر شدید و از همه مهم‌تر
- تعامل با مربیان این مراکز، که خود را نسبت به هم‌متایان، تافته‌ای جدابافته نمایش می‌دهند.

شرایط بالا و تشدید آن توسط خانواده‌ها، احساس تمایز قوی و تفاخر شدید را در تازه‌واردان متبلور می‌سازد. متعاقباً، آنان که خود را برتر از دیگران می‌پندارند، توقعات خود را از محیط افزایش داده و دیگران را نسبت به خواسته‌های‌شان موظف می‌دانند. به این ترتیب، این نخبگان جوان با ورود به مراکز پرورش تیزهوشان خود را بیشتر مُحق دانسته و دیگران را در برابر خود مکلف می‌پندارند. در چنین شرایطی، این جوانان نه‌تنها خود را به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی موظف نمی‌دانند، بلکه ممکن است در تعامل با دیگران به رفتارهای ضداخلاقی اقدام نمایند.

مدل ۲، با حذف متغیر «هویت ملی» از مجموعه متغیرها ایجاد شده است. این مدل با شش متغیر، توان تبیین ۷۲ درصد از تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را دارا است. با خروج متغیر «هویت ملی»، متغیرهای «اخلاقی بودن رفتار معلم ورزش» و «هم‌بختی در خانواده» نیز از مدل ریاضی خارج می‌شوند و متغیرهای «احساس سلامت تن و روان» و «فایده محتوای درس فارسی» به مدل وارد می‌شوند.

مدل ۲، نشان می‌دهد که وجود خواهر یا خواهران برای نخبگان جوان، اثر تقویت‌کننده بر رفتارهای اخلاقی آنان دارد. این مدل تأکید بر آن دارد که در حضور دیگر متغیرها، تعهد عام‌گرای پاسخگویان در تمایل آنان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی نقش تقویت‌کننده دارد. مدل ۲، آشکار می‌سازد که هرچه جوانان نخبه در

انجام شعائر مذهبی فعال‌تر باشند، نسبت به رعایت اخلاق نیز بیشتر متمایل خواهند بود. همچنین، مدل ۲، تأکید بر این واقعیت است که عدم تقلب در میان نخبگان جوان، تقویت تمایل آنان نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی را به دنبال دارد.

مطابق مدل ۲ می‌توان تأکید کرد که هرچه نخبگان جوان محتوای موجود در درس فارسی را مفیدتر قلمداد کنند، تمایل آنان به رعایت اخلاق افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، درج محتوای مفید در کتب فارسی که مملو از پند و حکمت است، بر فعال شدن وجدان اخلاقی نخبگان اثر گذاشته و آنان را در جهت رعایت ملاحظات اجتماعی سوق خواهد داد.

مدل ۲ نشان می‌دهد که هر چه پاسخگویان احساس سلامت بیشتری داشته باشند، تمایل آنان به رعایت قانون طلایی افزایش خواهد یافت. گویا، احساس سلامت تن و روان در میان نخبگان جوان و عدم دغدغه چنین مشکلاتی، زمینه همذات‌پنداری را بیشتر برای آنان فراهم می‌کند و نهایتاً آنان را در رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی متمایل‌تر خواهد کرد.

مقدار ثابت مدل ۲، یعنی عدد ۲/۶۴-، نشان می‌دهد که با حذف امکان «هویت ملی» از مجموعه متغیرها و فارغ از شرایط مدل، وضعیت تمایل جوانان نخبه نسبت به رعایت اخلاق ضعیف‌تر خواهد شد. این جوانان که در مجموعه تیزهوشان تحصیل می‌کنند، به دور از شرایط تربیتی، به شکلی دچار تمایز و جدافتادگی شده‌اند؛ که گویی از طرف جامعه هیچ نسبتی از اجبار اخلاقی را دریافت نمی‌کنند. بنابراین، متولیان تعلیم و تربیت باید مدام مشاهده‌گر شرایط مدل باشند، و اگر نه ظرفیت ضداجتماعی و ضداخلاقی نخبگان امکان بروز پیدا خواهد کرد.

مدل ۳، از حذف متغیر «تعهد عام‌گرا» از مجموعه متغیرها ایجاد شده است. در واقع، مدل ۳ شرایطی را ترسیم می‌کند که نظام تربیتی هیچ برنامه مشخصی برای تقویت فضایل عام‌گرای «تعهد عام‌گرا» و «هویت ملی» نخبگان جوان در دست نداشته

باشد. این مدل با هفت متغیر، توان تبیین ۷۶ درصد از تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را دارد.

مطابق مدل ۳، داشتن خواهر برای جوانان نخبه، افزایش تمایل آنان به رعایت اخلاق اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. گویی داشتن خواهر، همذات‌پنداری این جوانان را با افراد جامعه افزایش می‌دهد و تمایل‌شان را برای ملاحظه اجتماعی تقویت می‌نماید.

مدل ۳، نشان می‌دهد که تمایل نخبگان به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی، مرهون تمایلات مذهبی آنان است. گویی تمایل به اجرای مناسک مذهبی، نظارت اجتماعی را بر جوانان افزایش می‌دهد و وجدان اخلاقی آنان را حساس‌تر می‌نماید. این مدل تأکید بر آن دارد که صداقت علمی جوانان در مراکز آموزشی تیزهوشان، بر رفتار اجتماعی آنان مبتنی بر اخلاق تأثیر تقویت‌کننده دارد. به عبارت دیگر، تحصیل در محیطی که رفتار دیگران عاری از اعمال متقابلانه است، وجدان فرد را به وجدان جمعی نزدیک کرده و اجبار اخلاقی را بر تعاملات محصلان مستولی می‌گرداند.

مدل ۳، آشکار می‌کند که هرچقدر نخبگان نسبت به رعایت هنجار صداقت تمایل بیشتری داشته باشند، نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی فعال‌تر می‌شوند. به عبارتی، هرچه تربیت جوانان نخبه در جهت رعایت صداقت در سطح جامعه باشد، تمایل آنان نسبت به حفظ و صیانت اخلاق اجتماعی افزایش خواهد یافت.

مطابق مدل ۳، هرچقدر جوانان نخبه از نظر نشانگان افسردگی، سلامتی بیشتری را احساس کنند، توانایی بیشتری خواهند داشت تا در شرایط مختلف خود را به جای دیگری قرار داده و از اقدامات خودخواهانه و عجولانه بپرهیزند.

مطابق مدل ۳، هرچقدر معلم دینی و قرآن در درج نمرات منصفانه عمل کند، تمایل نخبگان جوان به رعایت ملاحظات اجتماعی افزایش خواهد یافت. به عبارتی، داوری معلم دینی که برای محصلان مظهر تعالیم مذهبی است، در تقویت عام‌گرایی آنان نقش تقویت‌کننده دارد. حال، هرچقدر ارزیابی‌های دبیر دینی و قرآن منصفانه‌تر

قلمداد شود، تمایل جوانان نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی و حقوق دیگران بیشتر خواهد شد.

مدل ۳ تأکید می‌کند که هر چه رفتار معلم فارسی اخلاقی‌تر قلمداد شود، تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی بیشتر می‌گردد. به عبارتی، رفتار اخلاقی معلم فارسی به‌عنوان فردی که منشأ حکمت ایرانی و حاصل هویت ملی شناخته می‌شود، در جوانان نخبه نوعی اجبار اخلاقی ایجاد می‌نماید و نهایتاً آنان را به سوی رعایت اخلاق اجتماعی سوق می‌دهد.

مقدار ثابت مدل ۳، یعنی عدد ۴/۴۰-، آشکار می‌سازد که فارغ از اثر متغیرهای مدل و با حذف متغیرهای مربوط به تمایلات هنجاری عام‌گرا از مدل، مانند «هویت ملی» و «تعهد عام‌گرا»، وضعیت تمایل نخبگان نسبت به اخلاق اجتماعی بسیار اسفبار می‌شود. در واقع، با حذف تمایلات عام‌گرا و فارغ از شرایط مدل، جوانان نخبه در رعایت اخلاق اجتماعی نه‌تنها علیل خواهند شد؛ بلکه تمایلات ضد اخلاقی را در خود تقویت خواهند نمود. به این ترتیب، اگر توجهات تربیتی نسبت به پرورش تمایلات عام‌گرا وجود نداشته باشد، نخبگان در وضعیت بحران اخلاقی به‌سر خواهند برد و وجدان اخلاقی آنان به شدت وابسته به شرایط مدل خواهد بود.

مدل‌های ۴ تا ۶، در جدول ۷، ارائه‌کننده دیگر شرایط متنوع برای تمایل نخبگان جوان نسبت به اخلاق اجتماعی است. مدل‌های مزبور نیز از حذف دیگر متغیرهای عام‌گرا ایجاد شده‌اند و نشان می‌دهند که بدون لحاظ نمودن این شرایط، چگونه می‌توان نخبگان جوان را نسبت به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی سوق داد.

جدول ۷- مدل‌های رگرسیونی چندگانه؛ مربوط تمایل هنجاری نسبت به قانون طلایی اخلاق

مدل‌های رگرسیونی متغیرهای مستقل			مدل ۴: خروج هویت ملی، تعهد عام‌گرا و صداقت			مدل ۵: خروج هویت ملی، تعهد عام‌گرا، صداقت و شعائر مذهبی			مدل ۶: خروج هویت ملی، تعهد عام‌گرا، صداقت، شعائر مذهبی و مذهب خانواده		
Sig.T	$\beta$	B	Sig.T	$\beta$	B	Sig.T	$\beta$	B	Sig.T	$\beta$	B
۰/۰۰۰		-۳/۴۳۱	۰/۰۰۰		-۲/۱۱۰	۰/۰۰۰		-۳/۵۳۳	۰/۰۰۰		
۰/۰۰۴	۰/۲۷۶	۰/۲۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۱۸	۰/۳۱۵	۰/۰۰۹	۰/۲۶۳	۰/۲۶۱			
۰/۰۲۵	۰/۲۰۱	۰/۱۴۲									
۰/۰۰۰	۰/۵۰۷	۰/۹۲۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	۰/۷۸۴	۰/۰۰۰	۰/۵۳۰	۰/۹۶۲			
۰/۰۰۲	۰/۲۹۸	۰/۲۹۹	۰/۰۰۳	۰/۲۷۰	۰/۲۷۱	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰	۰/۳۷۱			
۰/۰۰۲	۰/۲۹۷	۰/۳۷۴				۰/۰۰۲	۰/۳۱۸	۰/۴۰۰			
۰/۰۰۶	-۰/۲۵۷	-۰/۴۷۷	۰/۰۰۳	-۰/۲۸۷	-۰/۵۳۲						
			۰/۰۰۰	۰/۳۷۵	۰/۴۰۲						
			۰/۰۰۱	۰/۳۱۷	۰/۲۰۷						
معنی‌داری مدل			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		
R			۰/۸۵۵			۰/۸۵۶			۰/۸۳۷		
R Square			۰/۷۳۳			۰/۷۳۲			۰/۷۰۰		

مدل ۴ که از حذف متغیر «صداقتِ پاسخگو» ساخته شده است؛ با شش متغیر، توان تبیین ۷۳ درصد از تمایل پاسخگویان به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی، را دارا است. این مدل نیز آشکار می‌کند که مزیت داشتنِ خواهر، مقوم تمایل جوانان به



رعایت اخلاق اجتماعی است. به عبارتی، نداشتن خواهر، نظارت اجتماعی و وجدان اخلاقی را نزد نخبگان جوان کاهش داده و هدایت آنان به سوی اخلاق اجتماعی را مختل خواهد ساخت.

مطابق مدل ۴، تمایل به رعایت مناسک مذهبی فارغ از اجبار و پاداش‌های بیرونی، اثر تقویت‌کننده بر تمایل نخبگان جوان در رعایت ملاحظات اجتماعی نقش تقویت‌کننده دارد. مطابق این مدل، در کنار متغیرهای دیگر، هر چقدر رفتار معلم فارسی اخلاقی‌تر قلمداد شود، نخبگان تحت‌تعلیم بیشتر متمایل خواهند شد ملاحظاتی اجتماعی را رعایت نمایند.

مدل ۴، آشکار می‌سازد که نظم مدرسه به‌مثابه نظم خرد و بازتابی از جامعه، در تمایل نخبگان جوان نسبت به اخلاق اجتماعی نقش تقویت‌کننده دارد. بنابراین، در کنار متغیرهای مدل، هر چه در مراکز پرورش تیزهوشان، مدرسه در جهت هم‌بختی، هم‌گامی، هم‌دلی و هم‌فکری کوشا باشد؛ جوانان تحت تربیت، نظارت اجتماعی بیشتری تجربه خواهند نمود و وجدان فردی آنان بیشتر در مسیر وجدان جمعی رشد خواهد کرد.

مدل ۴ نشان می‌دهد که هر چقدر جوانان نخبه علائم افسردگی بیشتری داشته باشند، نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی کمتر سوق خواهند یافت. به عبارت دیگر، مشکلات روانی تا حد افسردگی، نخبگان را به انزوا کشانده و آنان را در فهم شرایط جامعه ناتوان خواهد ساخت. در چنین شرایطی، تمایل آنان نسبت به همذات‌پنداری کاهش یافته و وجدان اخلاقی آنان تضعیف خواهد شد.

مطابق مدل ۴، در کنار آرایش متغیرهای دیگر، تمایل جوانان به رعایت قوانین و مقررات رسمی، آنان را نسبت به رعایت قانون‌طلایی بیشتر متمایل خواهد ساخت. به عبارتی، اگر جوانان طوری تربیت شوند که وجدان اخلاقی‌شان نسبت به رعایت قوانین رسمی فعال‌تر شود، تمایل هنجاری آنان نیز نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی تقویت می‌گردد.

مقدار ثابت مدل ۴، مانند مدل‌های قبل، نشان می‌دهد که فارغ از تأثیر متغیرهای مدل، نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی بسیار ناتوان می‌باشند. به عبارت دیگر، مقدار ثابت مدل آشکار کننده این واقعیت است که بدون حضور و تأثیر شرایط مدل، احساس نظارت اجتماعی چندانی احساس نمی‌کنند و به دنبال آن، خود را از حمایت‌های اجتماعی محروم می‌سازند. بنابراین، فراغت از سیطره نظارت و اجبار اخلاقی موجب می‌شود که این نخبگان از عوارض ناکامی و مصیبت‌های ممکن مصون نمانند و بعضاً به رفتارهای خودخواهانه و ستیزه‌جویانه اقدام کنند.

مدل ۵، از حذف متغیر «تمایل به اجرای شعائر مذهبی» از مجموعه متغیرها ایجاد شده است. با حذف شرایط عام‌گرای ملی و حتی شرایط مذهبی، اعم از خاص‌گرا و عام‌گرا، دو متغیر «مذهبی بودن خانواده» و «اخلاقی بودن رفتار معلم ورزش» هویدا می‌شوند. این مدل، با پنج متغیر می‌تواند ۷۳ درصد تمایل پاسخگویان را نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی توضیح دهد.

مدل ۵، مانند مدل‌های قبل نشان می‌دهد که در سطح خانواده، داشتن خواهر یا تعداد بیشتر خواهر، تمایل نخبگان جوان را نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی افزایش می‌دهد. همچنین، مذهبی بودن خانواده در افزایش تمایل نخبگان در رعایت اخلاق اجتماعی نقش تقویت کننده ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، نخبگان جوانی که در خانواده مذهبی تربیت می‌شوند، نوعی اجبار اخلاقی را تجربه می‌کنند که نتیجه آن، احساس نظارت اخلاقی و اجتماعی است. چنین احساسی، در کنار دیگر متغیرها، نخبگان جوان را تا اندازه قابل توجهی نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی تحت اجبار اخلاقی خواهد گذاشت.

مدل ۵، آشکار کننده آن است که در سطح مدرسه، نظم مدرسه در تمایل نخبگان جوان در رعایت اخلاق اجتماعی نقشی تقویت کننده ایفا می‌نماید. همچنین، در حضور دیگر متغیرها، اخلاقی بودن رفتار معلم ورزش سوق‌دهنده جوانان به رعایت ملاحظات اجتماعی است. به عبارتی، هرچه مدرسه دارای نظم بیشتری باشد و تجارب عملی

محصلان در زمین ورزش، سوی گیری بیشتری نسبت به بازی منصفانه و عادلانه داشته باشد؛ این جوانان وجدان اخلاقی و نظارت اجتماعی قوی تری کسب می کنند و بیشتر در جهت رعایت نظم و ملاحظات اجتماعی سوق می یابند.

مدل ۵، نشان می دهد که همراه با متغیرهای مدل، تمایل نخبگان به رعایت قوانین و مقررات رسمی، تمایل آنان را نسبت به رعایت قانون طلایی افزایش می دهد. به عبارتی، پرورش نخبگان جوان در جهت رعایت مقررات و آیین نامه های رسمی، نوعی اجبار اخلاقی را برای آنان ایجاد می کند که در لوای آن، نمی توانند نسبت به ملاحظات اجتماعی بی توجه باشند. مقدار ثابت مدل ۵ نیز تأیید کننده وضعیت بحرانی نخبگان در رعایت اخلاق اجتماعی است. این مقدار نشان می دهد که فارغ از تأثیر متغیرهای مدل، نخبگان جوان مبتلا به پتانسیل ضداخلاقی هستند و به شدت محتاج شرایط تربیتی می باشند.

مدل ۶، به عنوان آخرین مدل ارائه شده از حذف متغیر «مذهب خانواده» ساخته شده است. در واقع، این مدل از حذف متغیرهای تمایلات عام گرای ملی و مذهبی، حتی شرایط تربیتی مذهبی ایجاد شده است. این مدل با پنج متغیر، توان تبیین ۷۰ درصد از تمایل پاسخگویان به رعایت اخلاق و ملاحظات اجتماعی را دارا می باشد. این مدل از ترکیب متغیرهای مختلفی ایجاد شده است که در مدل های قبل نقش تقویت کننده در تمایل جوانان نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی داشتند. در این مدل نیز مشاهده می شود که در کنار دیگر متغیرها، وجود خواهر برای نخبگان جوان، تمایل آنان در رعایت اخلاق اجتماعی را تقویت می نماید. در واقع نقش خواهر در زندگی اخلاقی نخبگان آنقدر قوی است که ورود آن در مدل های ریاضی گریزناپذیر بوده است و حاکی از وقوع اجبار اخلاقی و نظارت اجتماعی بر این جوانان است. به عبارتی، نداشتن خواهر، نخبگان جوان را از احساس حمایت اجتماعی محروم کرده و وجدان اخلاقی آنان را ناتوان خواهد ساخت.

مدل ۶ نشان می‌دهد که نظم مدرسه در کنار رفتار اخلاقی معلم فارسی نقش تقویت‌کننده در تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت ملاحظات اجتماعی ایفا می‌کند. این مدل گویای آن است که تربیت در جهت تمایل به رعایت قوانین و مقررات رسمی، نوعی احترام به قواعد عام را در نخبگان جوان تقویت کرده و آنان را به سمت رعایت ملاحظات اجتماعی سوق می‌دهد.

مدل ۶ آشکار می‌سازد که در کنار دیگر متغیرهای مدل، احساس افسردگی تمایل نخبگان را به رعایت اخلاق اجتماعی کاهش خواهد داد. به عبارتی، وجود علائم افسردگی و عدم سلامت روانی، نوعی فاصله اجتماعی بین آنان و جامعه ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، آنان نظارت اجتماعی چندان را احساس نمی‌کنند و وجدان اخلاقی‌شان نسبت به افراد جامعه فعال نمی‌شود و رعایت ملاحظات اجتماعی برای آنان توجیه‌پذیر نخواهد بود.

مقدار ثابت مدل ۶ نیز با توجه به مقدار منفی آن، تأکید بر آن است که نخبگان جوان در فقدان برنامه‌های تربیتی عام‌گرا و فارغ از تأثیر متغیرهای مدل، در بحران اخلاقی به سر می‌برند. به عبارت دیگر، نخبگانی که به نظام تعلیم و تربیت سپرده می‌شوند، بدون شرایط تربیتی، از نظر اخلاقی و رعایت ملاحظات اجتماعی، دارای ظرفیت ضداخلاقی و ضدا اجتماعی هستند. پس، نظام تعلیم و تربیت برای تقویت شرایط اخلاقی نخبگان جوان، شدیداً باید ناظر بر شرایط تربیتی این جوانان به‌عنوان ظرفیت‌های علمی و سرمایه‌های انسانی جامعه باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در تحلیل مدل‌های ریاضی، کمیت‌های موجود هم از حیث ضریب متغیرها و هم از نظر مقادیر ثابت، دارای اهمیت می‌باشند. در بررسی ضریب متغیرها آشکار می‌شود که وضعیت اخلاقی نخبگان جوان، متکی به شرایط تربیتی است. شرایط مزبور که به شدت فعال هستند، تا اندازه‌ای شکننده و متکی به عوامل تربیتی‌اند و حضور و غیاب، همچنین شدت و ضعف آن‌ها، جوانان نخبه را در مسیر ملاحظات اخلاقی و اجتماعی تقویت یا تضعیف می‌کند.

اما، تحلیل مقادیر ثابت در هر شش مدل، آشکار می‌سازد که وخامت تمایل نخبگان جوان نسبت به رعایت اخلاق در سطح جامعه، فراتر از شرایط بحرانی است. این جوانان فارغ از شرایط تربیتی، تمایزی شدید را تجربه می‌کنند و فی‌نفسه خود را از نظارت‌های اجتماعی و اخلاقی مبرا می‌پندارند. از این‌رو، نه تنها خود را در مقابل جامعه و هنجارهای آن پاسخگو و ملزم نمی‌دانند، بلکه جهت‌گیری‌های ضد اخلاقی و اجتماعی در آن‌ها پرورش می‌یابد. به این ترتیب، شایسته است که متولیان تعلیم و تربیت با حساسیت بیشتری فرایند پرورش اخلاقی این ظرفیت‌های علمی را رصد کنند و نسبت به این مهم بذل توجه بیشتری بنمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف تحلیل تمایل جوانان نخبه نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی تنظیم شده است. یافته‌های کیفی و کمی تحقیق، نقش تمایلات عام‌گرا را در احقاق این مهم نشان می‌دهند. نتایج، بر ارجحیت تقویت فضایل عام‌گرا در برنامه‌های پرورشی تأکید دارند. البته، با اتکا به یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان نمود که اگر نظام تعلیم و تربیت برای پرورش تمایلات عام‌گرا برنامه‌ای تدوین نکرده باشد نیز می‌توان نخبگان جوان را به سمت رعایت اخلاق اجتماعی سوق داد. اما، مهم آن است که چنین شرایطی بسیار شکننده و متکی بر عوامل تربیتی می‌باشد و عوامل مزبور باید به‌طور مداوم مترصد شرایط تربیتی و پرورش اخلاقی این ظرفیت‌های علمی در مراکز آموزش و پرورش باشند.

به این ترتیب، متولیان نظام تعلیم و تربیت در پرورش جوانان نخبه و تیزهوش، حداقل باید سه نکته را مدنظر داشته باشند: نخست این‌که پرورش اخلاقی جوانان نخبه از مهمترین وظایف است؛ زیرا آنان در رأس ظرفیت‌های علمی قرار دارند و کشور برای پیشرفت‌های بیشتر و سریع چشم امید به آنان دوخته است. دوم آن‌که، این

نخبگان، جوانانی هستند که فی‌نفسه دارای ذخایر ضداخلاقی و ضداجتماعی هستند و برای عدم بروز چنین ظرفیت‌هایی انرژی فراوانی باید صرف شود. این انرژی، هم‌اکنون در ابعاد مالی، فکری، عاطفی و زمانی توسط خانواده‌های این نخبگان و مراکز تربیتی تیزهوشان در حال مصرف شدن است و مدل‌های این تحقیق نیز ناظر به چندوچون آن‌ها است.

اما، سومین و مهمترین نکته آن است که شرایط تربیتی برای این جوانان نخبه، فقط تا پایان دبیرستان و حصر تربیتی در مدارس محقق است. به عبارت دیگر، با ورود این جوانان به دانشگاه، نظارت‌های خانواده و شرایط تربیتی مدرسه تا اندازه قابل توجهی از اعتبار ساقط شده و نخبگان تازه‌وارد به دانشگاه به حال خود رها می‌شوند. در حقیقت، با ورود آنان به دانشگاه، امکان تحقق شرایط ثابت در مدل‌های بالا پدیدار می‌شود: یعنی ناتوانی تأثیر وجدان جمعی، ضعف نظارت اخلاقی و اجتماعی و فقر سرمایه اخلاقی.

در صورت عدم رسیدگی به این شرایط، به‌لحاظ آماری از یک طرف شاهد آزاد شدن ظرفیت‌های فردگرایی خودخواهانه، گرایش‌های ضداخلاقی، و جهت‌گیری‌های ضداجتماعی از جانب نخبگان جوان خواهیم بود و از طرف دیگر، به تماشای عوارض ناکامی و آسیب‌پذیری این جوانان به‌علت عدم حمایت‌های اجتماعی ناشی از اجبار اخلاقی خواهیم نشست؛ که هر دو صورت هزینه‌های سنگینی را به‌دنبال خواهند داشت.

به این ترتیب، ضرورت توجه متولیان تعلیم و تربیت نسبت به بازبینی فرایند پرورش اخلاقی نخبگان آشکار شده است. بنابراین، شایسته است که افراد ذی‌صلاح با اتکا به پژوهش‌های موثق، نسبت به تربیت اخلاقی و شرایط احقاق آن، خصوصاً نسبت به پرورش نخبگان جوان توجه بیشتری مبذول بدارند، به‌طوری‌که، شرایط رشد اخلاقی نخبگان پس از تحصیلات دبیرستانی، اعم از ورود به محیط کار یا حضور در مراکز آموزش عالی، در برنامه‌های راهبردی لحاظ شود و برای آن، برنامه‌های علمی و عملی طراحی گردد.

## منابع

- توگندهت، ارنست. (۱۳۸۷)، *گفت و گوهای در باره رفتار اخلاقی*، ترجمه: احمدعلی حیدری و ریحانه حیدری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵<sup>الف</sup>)، «مطالعه پیمایشی اخلاق کار در سه شهر ایران»، در چلبی، مسعود، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵<sup>ب</sup>)، «تعهد کار»، در چلبی، مسعود، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷)، *بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران؛ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خنیفر، حسین؛ رحمتی، محمدحسین و رستمی‌پور، علی. (۱۳۹۷)، *مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش؛ مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)*، مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت ایران، تهران: انتشارات نورالثقلین.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۱)، *موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سنایی، ملیحه. (۱۳۹۵)، *بررسی شرایط جامعه‌پذیری اجتماعی نخبگان علمی؛ با تأکید بر نقش مدرسه (مقایسه مراکز پرورش استعدادهای درخشان و مدارس عادی)*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدی، وحید؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد و خدایی، ابراهیم. (۱۳۹۱)، «بررسی انحرافات جنسی جوانان (موردپژوهی در غرب تهران)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی*، دانشکده علوم انتظامی، شماره بهار.

۲۴۰ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۴۰۰

- نقدی، وحید. (۱۳۹۱ الف)، بررسی جامعه‌شناختی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش ایران: با تأکید بر هنجارهای انصاف و صداقت، **پایان‌نامه دکتری**، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدی، وحید. (۱۳۹۱ ب)، «بررسی تأثیر هنجارهای اخلاقی و تربیتی بر خشونت جوانان»، **فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی**، دانشکده علوم انتظامی، شماره پاییز.
- نقدی، وحید و تولایی، نوین. (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناختی رعایت هنجار اخلاقی صداقت در جوانان: با تأکید بر روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل اجتماعی ایران**، دانشگاه تربیت معلم، دوره چهارم، شماره ۲.
- نقدی، وحید و تولایی، نوین. (۱۳۹۳)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر پرورش اخلاقی جوانان نسبت به رعایت انصاف، به‌عنوان هنجار اخلاقی صدرنشین»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مسائل اجتماعی ایران**، دانشگاه خوارزمی، دوره پنجم، شماره ۲.
- نقدی، وحید. (۱۳۹۵)، «تحلیل تجربی اخلاق عملی با تأکید بر تعهد تعمیم‌یافته به‌مثابه وجه عملی اخلاق اجتماعی»، **دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحلیل اجتماعی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۵/۴.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۴)، **برنامه درسی دوره: کارشناسی پیوسته رشته آموزش علوم اجتماعی (خاص دانشگاه فرهنگیان)**، گروه برنامه‌ریزی تربیت معلم.
- هولمز، رابرت آل. (۱۳۸۵)، **مبانی فلسفه اخلاق**، ترجمه: مسعود علیا، تهران: انتشارات ققنوس، ویراست سوم.

- Acevedo, Gabriel A. (2005). "Turning Anomie on its Head: Fatalism as Durkheim's Concealed and Multidimensional Alienation Theory", *Sociological Theory*, 23(3), 75-87.
- Bayles, Michael D. (1990). *Procedural Justice: Allocating to Individuals*, Published by Springer.
- Berk, Bernard B. (2006). "Macro-Micro Relationships in Durkheim's Analysis of Egoistic Suicide", *Sociological Theory*, 24(3), 58- 72.
- Bishop, F. Michler. (2012). "Helping Couples Deal with Addictions", in Vernon Ann, *Cognitive and Rational- Emotive Behavior Therapy with Couples; Theory and Practice*, Springer Science+Business Media New York, 169-190.



- Bockel, Alicia. (2015). *The Golden Rule in Sports: Investing in the Conditions of Cooperation for a Mutual Advantage in Sports Competitions*, published by VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Boni, Bill. (2002). "The Golden Rule?", *Elsevier Science*, 2002(1), 18-19.
- Bulmer, Martin. (2010). "Challenges for Social Measurement", in Martin Bulmer and Julie Gibbs and Laura Hyman, *Social Measurement through Social Survey: An Applied Approach*, MPG books Group, UK, 215-227.
- Burton, Brian K. and Michael Goldsby. (2005). "The Golden Rule and Business Ethics: An Examination", *Springer*, 56(4), 371-383.
- Bruton, Samuel V. (2004) "Teaching the Golden Rule", *Springer*, 49(2), 179-187.
- Carr, David and Jan Steutel. (2005). "The Virtue Approach to Moral Education; pointers, problems and prospects", in Carr, David and Jan Steutel, *Virtue Ethics and Moral Education*, Published in Taylor&Francis, 246-261.
- Carr, Jon C. and Brian T. Gregory and Stanley G. Harris. (2010). "Work Status Congruence's Relation to Employee Attitudes and Behaviors: The Moderating Role of Procedural Justice", *Journal of Business and Psychology*, 25(4), 583-592.
- Coser, Lewis A. (1971). *Masters of Sociological Thought; Ideas in Historical and Social Context*, Harcourt Brace Jovanovich, Inc.
- Croix, David de la; Gregory Ponthiere. (2010). "On the Golden Rule of capital accumulation under endogenous longevity", *Elsevier Science*, 59(2), 227-238.
- Dai, Mengyan and James Frank and Ivan Sun. (2011). "Procedural justice during police-citizen encounters: The effects of process-based policing on citizen compliance and demeanor", *Journal of Criminal Justice*, 39(2), 159-168.
- Darwall, Stephen. (2006). "Morality and Practical Reason: A Kantian Approach", in Copp, David, *The Oxford Handbook of Ethical Theory*. Oxford University Press, Inc, 75-83.
- Deflem, Mathieu. (2006). *Sociological Theory and Criminological Research: Views From Europe and the United States; Sociology of Crime, Law and Deviance*, Volume 7, JAI Press is an imprint of Elsevier.
- Deleuze, Gilles. (1984). *Kant's Critical Philosophy: The Doctrine of the Faculties*, Translated by Hugh Tomlinson and Barbara Habberjam. Biddies Ltd, Guildford and King's Lynn.
- DiCristina, Bruce and Martin Gottschalk. (2007). "The Violence of Persuasive Argument: Using Durkheim to Outline a Latent Barrier to a Nonviolent Criminology", *Springer Science + Business*, (16), 7-38.
- Dingley, James. (2015). *Durkheim and National Identity in Ireland Applying the Sociology of Knowledge and Religion*, published by Palgrave Macmillan.
- Donder, J.H.M. (1985). "The golden rule of accumulation and the open economy", *Springer*, 133(4), 545-557.

- Galon, Patricia A. and N. Margaret Wineman. (2010). "Coercion and Procedural Justice in Psychiatric Care: State of the Science and Implications for Nursing", *Archives of Psychiatric Nursing*, 24(5), 307-316.
- Harvey, Steve and Victor Y. Haines. (2005). "Employer Treatment of Employees during a Community Crisis: The Role of Procedural and Distributive Justice", *Journal of Business and Psychology*, 20(1), 53-68.
- Hill, Jr., Thomas E. (2006). "Kantian Normative Ethics", in Copp, David. *The Oxford Handbook of Ethical Theory*, Oxford University Press, Inc, 480-514.
- Hitlin, Steven. (2008). *Moral Selves, Evil Selves: The Social Psychology of Conscience*, published by Palgrave Macmillan.
- Howard, Jason J. (2014). *Conscience in Moral Life: Rethinking How Our Convictions Structure Self and Society*, Published by Rowman & Littlefield International, Ltd.
- Fischer, John Martin. (2006). "FreeWill and Responsibility" in Copp, David, *The Oxford Handbook of Ethical Theory*, Oxford University Press, Inc, 321- 355.
- Friend, Louanne. (2012). "Ethical Decision Making in the Emergency Department: The Golden Rule", *Journal of Emergency Nursing*, 38(5), 251-253.
- Gangas, Spiros. (2011). *Values, Knowledge and Solidarity: Neglected Convergences between Émile Durkheim and Max Scheler*, Springer Science+Business, (34), 353-371.
- Gensler, Harry J. (2013). *Ethics and the Golden Rule*, published by Routledge.
- Gehrels, Franz. (2012). "Optimizing International Investment and Trade Under Golden Rule Conditions", *Atlantic Economic Journal*, 40(2), 127-131.
- Gonzalez, Celia M. and Tom R. Tyler. (2017). "Why Do People Care about Procedural Fairness? The Importance of Membership Monitoring", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 91-110.
- Hegtvedt, Karen A. (2017). "The Talk of Negotiators: Shaping the Fairness of the Process and Outcome", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 159-182.
- Janssen, Jana and Patrick A. Müller and Rainer Greifeneder. (2011). "Cognitive processes in procedural justice judgments: The role of ease-of-retrieval, uncertainty, and experience", *Journal of Organizational Behavior*, 32(5), 726-750.
- Kant, Emmanuel. (2002<sup>a</sup>). *Critique of the Power of Judgment*, Edited by Paul Guyer, Translated by Eric Matthews, First published, Cambridge University Press.
- Kant, Emmanuel. (2002<sup>b</sup>). *Theoretical Philosophy after 1781*, Edited by Henry Allison and Peter Heath, Translated by Gary Hatfield and Michael Fridman Henry Allison and Peter Heath, First published, Cambridge University Press.

- Kenny, Robert Wade. (2010). "Beyond the Elementary Forms of Moral Life: Reflexivity and Rationality in Durkheim's Moral Theory", *Sociological Theory*, 28(2), 215-245.
- Kimberly M. Ellis; Taco H. Reus; Bruce T. Lamont. (2009). "Erratum: The effects of procedural and informational justice in the integration of related acquisitions", *Strategic Management Journal*, 30(2), 749-758.
- Lemert, Charls. (2003). "Schools and Scholars; Durkheim's Ghosts", *Journal of Historical Sociology*, 16(3), 303-320.
- Lengfeld, Holger. (2017). "Subjective Impartiality: Justice Judgments between Morality and Self-Interest", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 207-224.
- Martin, Jennifer L. (2011). *Women as Leaders in Education: Succeeding Despite Inequity, Discrimination, and Other Challenges*, Vol.1, Women's Leadership in Higher Education, published by Praeger.
- Mau, Steffen and Sonja Wrobel. (2017). "Just Solidarity: How Justice Conditions Intergenerational Solidarity", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 67-87.
- McCormic, Patrick. (2003). "Whose Justice? An Examination of Nine Models of Justice", *Social Thought*, 22(2), 7-25.
- Modde, Jaqueline and Riël Vermunt. (2017). "The Effects of Procedural Unfairness on Norm-Violating Behavior", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 111- 124.
- Mullen, Elizabeth. (2017). "The Realationship between Affect and Perceptions of Fairness", in Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (Edt), *Distributive and Procedural Justice*, Published by Ashgate, 15-38.
- Noddings, Nel. (2008). "Caring and Moral Education", in Nucci, P. Larry& Narvaez Darcia, *Handbook of Moral Character Education*, First published by Rutledge, 161-174.
- Opotow, Susan and Janet Gerson and Sarah Woodside. (2005). "From Moral Exclusion to Inclusion: Theory for Teaching Peace", *Theory Into Practice*, 44(4), 303-318.
- Posthuma, Richard A. and Carl P. Maertz Jr. and James B. Dworkin. (2007). "Procedural justice's relationship with turnover: explaining past inconsistent findings", *Journal of Organizational Behavior*, 28(4), 381-398.
- Prus, Robert. (2011). "Examining Community Life "in the Making": Emile Durkheim's Moral Education", *The American Sociologist*, 42(1), 56-111.
- Reinikainen, Jouni. (2005). "The Golden Rule and the Requirement of Universalizability", *Springer*, 39(2), 155—168.
- Restubog, Simon Lloyd D. and Prashant Bordia and Sarbari Bordia. (2009). "The Interactive Effects of Procedural Justice and Equity Sensitivity in Predicting Responses to Psychological Contract Breach: An Interactionist Perspective", *Journal of Business and Psychology*, 24(2), 165-178.

- Schulman, Lee. S. (1986). "Paradigms and research programs in the study of teaching: A contemporary perspective", In Wittrock, Merlin C., *Handbook of research on teaching*, Third Edition, A Project of the American Educational Research Association, Macmillan Publishing Company, 3-36.
- Shermer, Michael. (2005). *The Science of Good and Evil: Why People Cheat, Gossip, Care, Share, and Follow the Golden Rule*, Published by Holt Paperbacks.
- Smith, Kenneth (2014) *Émile Durkheim and the Collective Consciousness of Society: A Study in Criminology*, This edition first published in UK and USA by ANTHEM Press.
- Sorabji, Richard (2014) *Moral Conscience through the Ages: Fifth Century BCE to the Present*, Published to Oxford Scholarship Online.
- Talbot, Marianne. (2005). "Against Relativism", in Halstead, J. Mark and Terence H. McLaughlin, *Education in morality*, Published in the Taylor & Francis e-Library, 13(4), 205-216.
- Taylor, Robert S. (2011). *Reconstructing Rawls: The Kantian Foundation of Justice As Fairness*, The Pennsylvania State University Press.
- Throop, Elizabeth A. (2009) *Psychotherapy, American Culture, and Social Policy: Immoral Individualism*, Palgrave Macmillan US.
- Uslaner, Eric M. (2002<sup>a</sup>). "Trust and Civic Engagement in East and West", in Badescu, Gabriel and Eric Uslaner, *Social Capital and the Transition to Democracy*, Routledge Taylor & Francis Group, 12-21.
- Uslaner, Eric M. (2002<sup>b</sup>). "Religion and Civic Engagement in Canada and the United States", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(2), 239- 254.
- Uslaner, Eric M. (2012). *Segregation and Mistrust: Diversity, Isolation, and Cohesion*, Cambridge University Press.
- Uslaner, Eric M. (2013). "Trust and corruption revisited: how and why trust and corruption shape each other", *Springer Science+Business Media*, (47), 3603-3608.
- Uslaner, Eric M. (2017). *The Historical Roots of Corruption: Mass Education, Economic Inequality, and State Capacity*, Cambridge University Press.
- Willaschek, Marcus. (2009). "Right and Coercion: Can Kant's Conception of Right be Derived from his Moral Theory?", in Marcus Willaschek, *International Journal of Philosophical Studies*, 17(1), 49-70.
- Wren, Thomas. (2008). "Philosophical Mooring", in Nucci, Larry p. and Darcia Narvaez, *Handbook of Moral and Character Education*, Published by Routledge, 11-29.